



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذی جعل السوکن من سنن المرسلین و در وضوء و تطهیر و نفث و غیره المستاتین و
 و الصلوة علی من امر به عند کل صلوة للمصلین و در ضاعت و رتبه صلوة المستاک
 علی غیره بسبعین و علی آله و اصحابه الذین اهتموا بامثال او امر الله
 و رسوله الایمن و حتی انهم جعلوا اسو کتھم فی الاذان موضع التسلم
 من الکاتبین و اما بعد غافل از کار بندہ گنہ گار محتاج رحمت غفار
 از کرده خویش نادوم و شرمسار زلہ ربای نامندہ علمای ذوی الاعتبار
 خوشه چین خرمین فضلای روزگار سرد رویای دست و پا آوارہ بادیه بیچاره
 نابلد کوه پرخندانی پراز سیات نبی از حسنات محمد شوگرت علی بن شیخ مستطی
 بن شیخ منصب علی سند علی عفا الله عنہم و ذہب الخفی و الجلی بر تھمیر مہر تنویر علما تحریر

منکشف میگردد آنکه سواک یکی از فطرت‌های دین مبین و منتهای انبیاء و صلین است حضرت
سید البشر شفیع روز محشر در ماده سواک تاکیدیکه بکار برده و به بالغه که از حد گذرانیده
و دلیل عظمت شان و برهان بر رفعت مکان اوست درین جزو زمان و طرف
و دوران اکثری از ابنای روزگار و بسیاری از مسلمانان دیار و امصار ترک این
سنت سنیه حضرت خیر البریه میکنند و از فو زاین نعمت عظمی دست بجرمان می زنند
با وجودیکه احراز این ثواب و در زمان قلیلی بل آنی با عانت بچوبی و تحریک سنی جهان
و بهی حاصل می شود لکن از کسالت نفس کاهل و سهولت طبع غافل بسبب جهل از فضیلت
مسواک یا وقوع غفلت مستاک از فو زاین سعادت عظمی فنیل این نعمت کبری
حرمانی رو میدهد و چون عمل بر سواک موقوف بر علم نیست که در باره فضائل فو زائد
مسواک و بمقدمه به بالغه استیاک از کاف و ما ارسلاک مروی شن و آن
علم اگر چه از دیدن روایات و اخبار یکم در کتب سنت نبویه و عبا نه بر فقیه منقول
گردیده حاصل می شود اما کتاب یار ساله مختص که در باب مسواک حاوی
مسائل متفقه و مختلفه باشد و جمع دلائل مذاهب متفقه کند و احاطه انتخاب
و آثار نماید و منافع و فو زائد را فرا گیرد یافته نشد لهذا این رساله مختصره که مسائل متعلقه
مسواک اوفی و دلائل مذاهب مختلفه فقهارا کافی است موسوم به غایۃ الادراک
فی مسائل السواک بقا لبالیف در آوردم و بسک تر صیف و کشیدم و این عباله
نافعه و قراضه ساطعه است چندانرا کات گردانیدم خداوند عز و اسم حق جل شان
مقبول فرموده برادران دینی و خلایان ایمانی را انفع عاجل بخشد و مولف
را ثواب آجل کرامت فرماید انه بالا جابه تدیر و بانجلاح المسؤل جدید

از سواک اول و تحقیق معنی سواک بدان که سواک بالکسر و معنی دارد اول آنست
 بمعنی چوبی که بدان دندان مالیده شوند و دوم مصدر است بمعنی کردن سواک و سواک
 مراد سواک است بمعنی اول فی النهایة الاثریة السواک بالکسر سواک مایه لک به الانسان
 من البیدان فی امداد الفتاح شرح نور الایضاح و نجاة الارواح و السواک بکسر السین اسم للاستی
 و العود الذی یستاک به ایضا و سواک بمعنی اول مذکور است کما فی شرح المسلم للنووی و کذا بنایتی
 هادیه میگویی که بدین معنی مذکور و مونت هر و آورده میشود و صاحب حکم نیز از تکریر تائید او کرده
 و تائید میگویی که عرب سواک را مونت همی آرند و از هر یکی که از علمای لغت است گفته که این قول است
 را از جهل اغالیط قبیحه او توان شمرد و معنی اول مراد اهل لغت است و معنی ثانی یعنی استعمال چوب
 و مانند آن بدانان باصطلاح فقهاست فی شرح المسلم للنووی قال اهل اللغة السواک بکسر السین
 یطبیق علی الفعل و علی العود الذی یتسوک به و هو مذکور قال الیث و تونثه العرب ایضا قال المازهر
 هذا من عدد الیث ای من اغالیطه البیضة و ذکر صاحب حکم انه یؤنث و یذکر و فیة ایضا و هو فی
 اصطلاح العلماء استعمال عود او خود فی الانسان لیزه باصفرة و غیره باعنا و جمع سواک سواک
 بصفتیج آید مثل کتاب که جیش کتب است و صاحب حکم می گوید که در جمع سواک سواک بجزه نیز جائز
 فی ذلک الشرح للنووی و جمع السواک سواک بصفتین کتاب و کتب و ذکر صاحب حکم انه یجوز ایضا سواک بالکسر
 و سواک ماثور از سواک بمعنی و کتب است چنانچه میگویی سواک فاه یسوی که او اول که بالسواک و سواک فاه
 یسوی که سواک یا مأخوذ از تساوک بمعنی تماثل است چنانچه می گویند جاءت الابل تساوک ای تماثل
 هر الا که فی النهایة الاثریة و شرح المسلم للنووی و مراد از لفظ سواک که در کتب فقه مذکور است معنی
 اول است بتقدیر مضان چه سنت فعل سواک است نه نفس سواک و یا بمعنی ثانی است بدو تقدیر
 مضان و این مناسب است بسبب حصول مقصود بلا ارتکاب تقدیر فی ذخیره البقی حاشیة

سواک اول و تحقیق معنی سواک

شرح الوقایة قوله والسواک وهو اذا کان بمنی السواک الذی هو اسم للخصیة المعینة للاستیناک
 وجب تقدیر المضاف کلفظ الاستعمال مثلاً لان سنة الاستیناک لذی یو استمال السواک
 لانفسه وهو ظاهر واذ کان بمنی المصدر کما صرح فی الغایة وغیرہ بالاجتناح الی شیء اصلاً وهو الا
 لان کمال علیه لفظ المصنف کحصول المقصود بلا تکلف تقدیر اوراک دوم ودر بیان حکم مطلق
 مسواک بدان که مسواک کردن مستحبست ودر جمیع اوقات متعین نیست بسببی مخصوص نیست بوقتی
 از شب و روز شخصی بجنب حاضی نفساً و طاهراً و صائماً و غیر صائماً نیست مسواک از نضائین وضو
 و نماز بل از سنی بن است پسین است و در آن جمله حالات کمرنگی که در استحبابین اعتبار بعضی سباب
 و متقرری شود در بعض اوقات و این تعلیم روایت از ابی حنیفة رحمة الله علیه فی شرح المختصر لایسان
 الاستیناک مستحب فی جمیع الاوقات و فی شرح الامام النووی علی السلام ثم ان السواک مستحب فی جمیع الاوقات
 و فی سنن ابی امدی ناقلاً عن صلوة المسعودی و فی ظاهر الروایة انه سنة برأسه و فی البحر الرائق و فی سنن
 الوضوء بن استحب مواضع و فی البنایة حاشیة الهدایة نقل عن شرح الطحاوی انه سنة رطباً کان و یا سباً
 مبلو لا بالما و اولانی جمیع الاوقات علی ای حال کان و ایضاً فی البنایة و قال ابو عمر و فضل السواک
 جمیع علیه اختلاف فیہ و الصلوة عند الجمیع ب فضل منها ب غیره و قیماً ایضاً و هو اما سنن ابن
 حبان و یستوی فیہ کل الاحوال کما نقلت و کما عن ابی حنیفة و دلیل این تعلیم و اطلاق چندا حدیث اند که در
 ادراک احادیث خواهند آمد باید دانست که نزد او و ظاهری مسواک کردن واجبست برای نماز
 لیکن اگر اثر ترک کند نماز باطل نشود و این وجوب تخصیص پذیرد و وقتی که جلسین و منشیین متناوبی گویند
 و مطلق وجوب را شیخ ابوحامد اسفرائینی امام عراقیین از و نقل کرده و عدم بطلان نماز را
 ماوردی از حکایت کرده و تخصیص بنگاه تاذی جلسین عبد الوهاب شعرائی نسبت با کرده و عزیزی
 اسحاق بن راهوی نیز واجبست حتی که اگر ترک کند آن را نماز باطل گردد و فی شرح المسلم للنووی

وقد حكى الشيخ ابو حامد الاسفراييني امام اصحابنا العراقيين عن داود الناصري انه اوجبه صلوة وكنه
 الماوردى عن داود وقال هو عنده واجب لو تركه لم يطل صلاته وحكي عن استحقاق بن راهويه انه قال
 هو واجب ان تركه عمدا بطلت صلاته وفي ميزان الشرائع قال داود وهو واجب لاسيما ان كان
 منه الجليل من زاد استحقاقه ان كان عمدا بطلت صلاته ومتاخرين اصحابنا في بعض نسخ ابو حامد وغيره
 نقل وجوب الزاوي داود انكار كراهة ان ذكره في حديثه وداود استكراهه مسواك كرون سنت مستثناة
 نمازها اگر نسبت وجوب بدو صحيح هم باشد تا هم نمی گفتند وراعتا اجماع بر قول نعمان که بران اکثر علی
 وحقه قان هستند مضرتی ندارد ودر صحت نقل وجوب بدو استحقاق نیز انکاری دارند فی شرح النووی علی
 السلم وقد اکر اصحابنا المتأخرون علی الشيخ ابی حامد وغيره نقل وجوب عن داود وقالوا انه شبهه بکسبة
 کما جماعه ولو صح سجایه عن داود لم یضرب فی الفتی فی انتفاء الایجاب علی المختار الذی علیه المحققون الا اکثر وانی
 الحق فلم یصح هذا الکلی عندنا ثم اورد اک سوم ودر بیان حکم سواک در وضو بدان که بعضی
 از علمای گفته اند که سواک در توضی سنت مؤکده است فی الدر المختار ناقل عن البحریة والسواک سنة مؤکدة
 وانی امداد الفتح والسواک من سنن الوضوء عندنا وانی الکافی والسواک ای استتماله لانه علیه السلام
 واطب علیه والمواظبة مع الترتک تدل علی السنیة ویزاد ترک وانی الصغیری وقد عده القدوری
 والاكثر من سنن فی هو الماصح لما ذکرنا فی الشرح وانی الدر المنتهی المنطوق وانی سنن ابتداءه بالعمامة علیه
 الکفین السواک لانه فی شرح المسبب لایح الظلام والسواک لای للوضوء فان السواک عندنا من
 سنن الوضوء وانی ایضا واما صفة فهو سنة مؤکدة وانی سنن الممدی ناقل عن صلوة المسعودی
 بل السواک سنة الوضوء ام سنة براسه فقیل هو سنة الوضوء وانی الهدایة والسواک لانه علیه السلام کان
 یو اطلب علیه وانی حلیة الباجی السواک ای استتماله لان السواک والسواک اسم للتخشیة المرة المتعینة
 وانی سنن استتماله لانه علیه السلام کان یو اطلب علیه وانی الاحتیاط التحلیل الحی ورو السواک لانه علیه السلام

وأنه لا یجوز أن یترک
 ولو کان من سنن الوضوء

واطلب علیه و قال او صالی خلیل جبریل بن السواک و فی شرح النووی علی الصحیح لم یتم ان السواک
 سنته لعین لم یجب فی حال من الاحوال لانی فی الصلوة و لانی غیر باجماع من یعتقد به فی الاجماع و بحجت
 این مدعا و حدیث مست اول حدیثی است که روایت کردند آنرا بخاری و مسلم از ابی هریره قال قال
 رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم لو لان شقی علی امتی لا امرتم بتأخیر العشاء و بالسواک عند کل صلوة یعنی
 فرمود رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم اگر نمی بودم آنکه در شقی اندازم من است خود را هر آینه واجب
 کردم بر ایشان تاخیر کردن عشاء را و واجب میکردم سواک کردن را بنزد هر نماز و در اینجا حدیثی است
 ظاهر الوری و که این تقریب غیر تام است چه مقصود سواک نزدیک وضو است و از احتیاط آن بدین
 گونه است که مراد از صلوٰۃ اینجا وضو است بدلیل آن که روایت کرد مالک احمد و نسائی و صحیح کرد
 آنرا ابن خزیمه و حاکم و گفت حاکم که صحیح الاسناد است و بخاری روایت کرد بطریق تعلیق در
 کتاب الصوم از ابی هریره عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم قال لو لان شقی علی امتی لا امرتم
 بالسواک مع کل وضو یعنی فرمود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم اگر نه آنکه سختی می کردم بر امت خود
 هر آینه امر میکردم آنها را بسواک کردن با هر وضو و در روایت ابن خزیمه و حاکم و بخاری انفظ
 عند کل وضو است و در روایت احمد و غیره انفظ عند کل طهور است و درین جهت نظر است
 بدین گونه که بخاری حدیث بدیلی و گیر بودن سواک در وضو یافته نمی شود و منتها سی و لالت این
 حدیث بر مذمت چه در مذمت قبح فعل احیاناً کفایت کند و سنت بدون مواظبت بپایه اثبات
 نمی رسد و ازین حدیث مواظبت لازم نمی آید فی فتح القدیر و لا دلالة فی شیء علی کونه فی الوضوء
 الا به و غایة ما یفید الذنب و هو لا یستلزم سوی الاستحباب و یدکیف اذ اندب بتی ان تعید به
 احیاناً و لا سنیه و ان المواظبة و هی لیست بلازمة من ذلك و در جواب این نظر چنین میتوان
 گفت که بعد از وجوب مرتبه سنت مؤکده است پس هر گاه که بسبب مانعی این مشقت جمیع

ووجب من دفعه شمس سفت مکرده باقی خواهد ماند که انی غنیة استیسی شح غنیة المصلحة دوم است
 است که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم بدین ضمنون که موأظبت بسواک
 می فرمودند و در اینجا نیز خار خرد شده و پاشی خاطر می خلد و آن این است که موأظبت آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم بر فعلی دلیل و وجوبت پس این حدیث دلیل سفیت چگونه خواهد شد از ناخن فکر این خار خرد شده
 را به نیکو نه برمی توان آورد که موأظبت بدون ترک البته دلیل و وجوبت و اما مع التکرار مرة و دومین
 دلیل سنیت است و اینجا موأظبت با ترک مروی شده چنانچه حدیث اعرابی دال بر آنست چه در تعلیم
 و ضروی او تعلیم سواک منقول نگردیده و چنین موأظبت دلیل سنیت است و بدین حجت هم نظرت
 به نیکو نه که در اصل موأظبت کلامی نیست بلکه کلام در موأظبت نزدیک وضو است و موأظبت بدین
 صفت ازین روایت لازم نمی آید چه این روایت دال بر مطلق موأظبت است فی البنا یا شرح الهدایة
 لانه علیه السلام کان یوأظب علیه شواشی لان النبی صلی الله علیه و سلم کان یوأظب علی استقال
 اسواک و العجب من المصنف رحمه الله انه ذکر ان استقال السواک سنة ثم اخرج علی
 ذلك یوأظبة النبی صلی الله علیه و سلم مع هذا لم یذكر شیئا من الاحادیث الدالة
 علی الموأظبة و قد علم ان موأظبة النبی صلی الله علیه و سلم علی فعل شیء دلیل
 علی الوجوب و قد اعترض عنه الشراح بان الموأظبة مع التکرار دلیل السنة و بدونه
 دلیل الوجوب و قد دل علی ترک حدیث الاعرابی لانه لم یقل فیہ تعلیم السواک فلو
 کان واجبا لعمد و ازین نظر جوابی میتوان گفت بدین طریق که موأظبت نزدیک وضو هم
 از حدیث عایشه رضی الله عنها که در سلم مروی است ثابت می شود و حدیث مذکور اینست
 کان الله رسول الله صلی الله علیه و سلم سواکه و طوره فلبسته الله راسا ان فیه فیتسواک
 و یتوضا و یصلی یعنی عایشه رضی الله عنها می گوید که بودیم ماکه عیسی می کردیم برای رسول خدا

صلی الله علیه وسلم سوگ او و آب وضوی او پس برمی آید بخت از خدای عزوجل
 هر قدر که میخواست آنکه بر انگیزاند او را پس سوگ می فرمود و وضوی می کرد و نماز
 می خواند و ازین حدیث صاف می تراود که عادت شریف و موافقت لطیف آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم بر سوگ نزدیک وضوی و دوپل هذا الا المطلوب و درین جواب
 هم نظرست چه تمیز که این عادت شریف در وضوی باشد که هنگام بیداری از خواب می کردند
 در وضوی نماز و الکلام فی الوضوء للصلوة لا غیره فلا ثبت المدعی فی غیبة المستطیع علی ان و
 مسلم عن عائشة رضی الله عنهما کما نفع لرسول الله صلی الله علیه وسلم سوگ و طهوره
 فبغیث الله ماشاء ان یغیثه فیتسوک و یتوضأ ویصلی و لیل علی انه کان ذلک و قد صلی الله
 علیه وسلم الا ان یقال کان ذلک عاده عند القیام من النوم عند کل وضوء
 بعضی دیگر از علما گفته اند که سوگ در وضو مستحبست نه سنت مگر در فی المیزان المستطیع
 و من ذلک سوگ قد اتفق الایمة الاربعه علی استحبابه و فی شرح المختصر
 و یتاکد الاستحباب عند التوضوء فی غیبة المستطیع و الصغیری و من الادب ان
 یستاک امی یدک اسنان به سوگ بالکسر و هو العود الذی یستاک به کالسوگ
 و فی الاختیار لتفصیل المختار قالوا و الاصح انه مستحب و دلیل برین مدعاست
 که سنت آن را گویند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بر آن موافقت
 فرموده باشند و هرگز آن یک بار یا دو بار و چنین موافقت آنحضرت صلی الله
 علیه وسلم بر سوگ در وضو پایانه ثبوت نرسیده فی فتح القدر
 المطلوب موافقت الوضوء و لم یسلم حدیثا صحیفه او را که
 چهارم در بیان آنکه سوگ در وضو قبل از وضوست

در این چهارم در بیان آنکه سوگ در وضو قبل از وضوست
 یا در این چهارم در بیان آنکه سوگ در وضو قبل از وضوست

يا درميان وضوء هنگام مضمة بعضی علماء گویند که سنیت سواک پیش از وضوءست فی غنیة المستملی والصغیری قال فی الکفاة اما وقتہ یعنی فی الوضوء فذكر فی الکفاة للبیهقی والوسیلة والشفا ان السواک قبل الوضوء فی اداء الفتح وقال غیرهم قبل الوضوء و فی شرح المختصر الیاس فعند بعض المشایخ یستاک فیتوضأ و فی شرح مواهب الرحمن لعبد اللطیف و فی البدائع والمجتبی انه قبل الوضوء و فی فتاوی جمع البرکات و اختلف المشایخ فی محله فقبل الوضوء و فی المرقاة و فی افرواد البنا عن ابن الوضوء ایا را الی ان السواک لم یس من اجزاء الوضوء المستقلة فی اشارة الی جواز تقدیم السواک علی الوضوء و لیس یتعین ان یکون محله قبل المضمة و اکثر علماء میگویند که سنیت سواک وقت مضمة است چرا که درین تکبیر نقا و طهارت است تا اینکه اگر پیش از مضمة سواک کند کفایت از سنیت و سواک ندارد و اعادة سواک هنگام مضمة می باید چه سنیت آن در عین مضمة تعیین است فی العالمیة ثم وقت الاستیاک هو وقت المضمة کذا فی المبناة و فی جامع الرموز فیتاک حاله المضمة کذا فی المنهاة و فی اداء الفتح و وقتہ عند المضمة علی قول الاکثر و فی غنیة المستملی والصغیری و فی مبسوط شیخ الاسلام و من استه حاله المضمة ان یستاک و فی المرقاة و ان یکون حال المضمة علیه الاکثرون و فی غنیة المستملی والصغیری و فی تحفة الفقهاء و اذ الفقهاء استه حاله المضمة تکبیرا لا انقار و فی کفاة ابی مسلم ان قدم السواک علی المضمة لا یجری عن استه لانه فی حاله المضمة و فی سراج المظالم و اما وقتہ فعند المضمة و فی شرح الیاس علی المختصر و عند بعض یستاک حال المضمة و فی المعین و استعمال السواک حاله المضمة و فی حاشیة الطحطاوی

علی الدر المختار قوله عند المضمضة هو قول الأكثر وهو الاوّلی لانه اکمل للانقاء وفي شرح
 بعد الطیف بن جمال علی مواهب الرحمن فی زیب بی حنیفه عثمان وختلف فی وقت
 فقی النهاية وفتح القدير انه عند المضمضة وفي فتاوی جمع البرکات ناقلاً عن البرجی
 وقيل عن المضمضة علیه الاكثر ان ادراك شحم در بیان مقدار سواک
 باید دانست که مستحب آنست که طول مسواک مقدار یک باشت مرد و وسطبری آن مقدار
 آنکشت خضر انسان بلا گره از چوب و زحان تنخ باشد و مسواک را از یک باشت درانه
 کنند که شیطان بران می نشیند و مراد اکثر مستقر شیطان آنست که فراموش میگردد اند
 استعمال کردن مسواک را یا می اندازد و سوسه در دل مسواک کننده تخفی نماید که
 و بعضی فقها شبر و خضر مسواک کننده معتبرست و نزد بعضی شبر و خضر میان که نه زیاد
 و نه زیاده لاغر باشد معتبرست فی الدر المختار و کونه یقیناً مستویاً بلا عقد فی غلط خضر
 شبر و فیه ایضا و لا یزاد علی شبر و الا فالشیطان یرکب علیه فی حاشیه الطحاوی
 الدر المختار قوله فالشیطان یرکب علیه لعل المراد من ذلک انه ینسبه استعماله
 به نفس له و فی شرح عمر بن محمد اسنابی علی منظومه عثمان و ینبغی ان یکون السواک
 فی غلط الاصبیح و طول الشبر من اشجار مرة و فی جمع البرکات و ینبغی ان یکون
 به مر فی غلط الاصبیح و طول الشبر و فی حاشیه الطحاوی علی الدر المختار و قوله
 غلط خضر ای مدب کونه فی غلط خضر و یل المراد الخضر استعماله و الخضر الوسط الاکثر
 من قیق جد و لا غلیظ جد و کذا یقال نحوه فی الشبر و چون مسواک چهار انگشت
 پس مکروهست استعمال او و سزاوار آنست که و فن کنند آنرا در زمین طاهر
 با فی خلاصه الاحکام و شافعیه جائز داشته اند استعمال مسواک کوتاه از یک باشت

در شحم در بیان مقدار سواک

و عبارت مختصر ایما بیان معنی میکند فی جامع الرموز و فیه دلالت علی انه بجزران بکون قضیه
 من شبر کما صرح به فی کتب الشافعی و ادراک ششم در بیان کیفیت سواک
 و این ادراک یعنی بر چند تحقیقات است تحقیق اول اینکه اکثر علما گفته اند که منرا و اراتست
 که سواک کند از عرض دندان و طول دندان تا که زخمی نکند گوشت دندان و ضرر زیاده
 باشد فی البحر و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و فی امداد الفتح و ان یستاک
 عرض الاطوالا لئلا یضر لحم اللسان و علیه اکثر و فی غنیة المستمل و الصغیری و یستاک
 عرض الاطوالا ای مع عرض اللسان الذی به طول القم لا العکس خشية الحاق الضرر بالثة
 و فی المسراج الوبایح و یستاک عرض سنان و به طول القم و فی حاشیة الطحطاوی علی الدر المختار
 و یستاک عرض الاطوالا لانه یخرج لحم اللسان و نزدیک اصحاب شافعی سواک امام الحرمین نیز
 مستحبست که سواک در عرض دندان کند نه طول آن پس اگر خلالت آن کرد و کفایت از
 سواک نخواهد کرد و دیگر بکراهت و همین کراهت طولی را ملا علی قاری از علما حنفیه در مرقا
 اختیار کرده است فی شرح النووی علی صحیح مسلم و یستحب ان یستاک عرضا
 و لا یستاک طولاً لئلا یدمی لحم سنان فان خالف و استاک طولاً حصل السواک مع
 الکراهة و فی البیانیه و قال غیره من اصحاب یستاک عرض الاطوالا و نزدیک بعض علما
 که بمجمله آنها فتوی است منرا و اراتست که سواک کند در عرض طول برود و اگر
 اقتضای کند بر یکی پس عرض ولی است و همین است مذہب امام الحرمین از اصحاب
 شافعی فی البرجندی یعنی ان یستاک طولاً و عرضاً فان اقتصر علی احد هما فضرراً
 و فی امداد الفتح و قال الفتوری یستاک طولاً و عرضاً و فی البحر الرائق و قال الفتوری
 یستاک طولاً و عرضاً و اکثر علی الاول و فی بعض حواشی شرح الوفاة یستاک

ادراک ششم در بیان کیفیت سواک

كيف شار سواك كان طول الاوعضا وكذا في تهذيب الصلوة وفي البناية شرح الهداية مثال
 امام الحرمين من اصحاب الشافعي يز السواك على طول اللسان وعرضها فان اقتصر على واحد
 فالعرض ولي وتز بعض علماء مثل غزنوي انست كه طول السواك كنده عرضا في حاشية
 الطحاوي على الدر المختار وعن الغزنوي يتاك طول الاوعضا والاكثر من على الاول تحقيق
 ثاني وبيان بديت سواك واين تحقيق شغل برود قول سمت قول اول انكه ثلث اوت
 كه شروع كرده شود ورسواك كردن اولاً از جانب ايمن بالا از دندان پسترين مثل
 بعد از ان ايسر بالا من بعد ان ايسر اسفل باب تازه غير آب مضمضة همچنين بار دوم
 وبار سوم كن پسن بالاي زبان و كام و طرف دمان بكند پس اين جمله سيزده تحريكات
 در سواك كردن ميشوند في جامع الرموز والمراد امر السواك على ظاهر عرض لسن
 الايمن الاعلى ثم الاسفل ثم الايسر كذلك ثم على وجه اللسان وكذا في تهذيب الصلوة
 وقول دوم انكه شروع كرده شود از جانب ايمن بالا پستريه جانب ايسر بالا پستريه جانب
 ايمن زيرين پستريه جانب ايسر زيرين كذا في غنية المستعمل والصغيري شرح
 مجمع المصلي مفتاح الصلوة وفي الدر المختار واقاثة ثلث في الاعلى وثلث في الاسفل
 بمياه ثلثة وفي حاشيته للطحاوي قوله ثلث في الاعلى اي من فيه اليمين ولا ثم من
 وجه اليسار قوله ثلث في الاسفل من وجه اليمين ولا ثم اليسار كذا في البحر عن شيخ
 منية المصلي قوله بمياه هذه غير مياه المضمضة بان غسل السواك ثلاثا لان المضمضة في الكلام
 عليها في قوله غسل ثم وفي المرقاة ناقلا عن ابن الهمام يستحب في السواك ان يكون ثلاثا
 بثلث مياه وايضا فيها يستحب ان يبدأ بالجانب الايمن من فم عرضا وفي البحر
 ان يتاك على اللسان واسفلها والحكمث يبدأ من الجانب الايمن واقاثة ثلث في الاعلى

وثالث في الاسفل ثلث مياه وفي الزاد ويكون في الاستياك ثلث عشر تحريكاً ثلث
 في اليمين الاعلى وثلث في اليمين الاسفل وهكذا في اليمين واحد في طرف الفم وحول
 راس السواك الى حنكه وفي شحج المسلم للنووي ويستحب ان يمر السواك ايضا على طرف
 اسنانه وكراسي اخذ اسنانه وسقف حلقه امرار الطيفا ويستحب ان يبدأ في سواكه بالبحا
 اليمين من فيه بايديه انست كه نكته در سه بار سواك كردن انست كه تثليث وترست
 و خدا و تراد و دست ميده و كذا في صلوة الطيبين و بعضي ميگويند كه در سواك عجمين
 نيست بلكه سواك كن تا آتران كه بزوال كهت و زروي دندان اطينان قلبه
 حاصل آيد في الدنيا لا تقير في السواك يستاك الى ان طين قلبه بزر و ان كنهه و منبر
 محقق نماز كه در حالت سواك كردن ظاهر و باطن و اطراف و دندان بهاله كذا في غنية
 و اصغري بايد دانست كه سواك است كه سواك نرم معتدل بلكه باشد زير آكه من
 سواك آسان تر در استعمال است و مراد از نرمي نرمي تمام سواك نسبت بل آن موضع
 كه بزنگام سواك كردن در دهن و خل شود في الدر و كونه ليناً مستويا اي معتدلاً با عقده
 و في حاشية الخط و قوله مستويا اي معتدلاً قوله بلا عقده لانه سهل في الاستعمال في فتح
 و ان يكون السواك ليناً و في حاشية الخط و على الدر قوله و كونه ليناً المراد به الحمل لانه
 يدخل في الفم لا كنهه تحقيق سوم در كيفيات ممنوعة گرفتن سواك و اين تحقيق مشتمل است
 بر چند فوائد قائمه اول آكه ترك نكند وضع مسنون كه اين مورد با سوره شحج الدر
 و لا يقبضه فانه مورد الباسور و في البحر الرائق و لا يقبض القبضة على السواك فان ذلك
 مورد الباسور و كذا في تهذيب الصلوة و في حاشية الخطاوي على الدر المختار
 قوله و لا يقبضه اي بيده بان يترك لياية المسنونة في مسكه قائمه دوم آكه سواك نكند

از هر دو طرف مسواک چو که این مورث کوری است فی جامع الرموز و لایستاک بطریق
 بالمسواک فانه یورث العمی فانه سوم آنکه سزاوار است که تکلم مسواک را که این مورث
 کوری و نسیان است فی الدرر و لایمضه فانه یورث العمی و بکنذا فی جامع الرموز و تهذیب
 الصلوة و فی خلاصته الاحکام و لایمض السواک بالاسنان لانه یورث النسیان
 ادراک هشتم در بیان طریق گرفتن مسواک بدانکه در گرفتن مسواک
 سنت آنست که گیر و آنرا در دست راست چو که این کار از کارهای طهارت است
 اگرچه قیاس مقتضی گرفتن در دست چپست چه درین از الله قدوسست و در دست راست
 طریق گرفتن اینست که انگشت خنصر زیر مسواک و انگشت نزیر بر سر مسواک انگشت
 وسطی و بنصر بالا می مسواک باشد و همچنین آمده است از عبدالمعین بن مسعود رضی الله عنه
 فی امداد الفلاح و یستحب مسا که بالید الیمنی و اسنة فی کیفیت اخذ ان یجعل الخنصر
 یمینک من سفلی السواک و البنصر و الوسطی و السبابة فوقه و اجعل الابهام من سفلی السواک
 و فی جامع الرموز بعد ما یجعل الابهام الیمنی و خنصره تحت السواک و البواقی فوقه فی حاشیة
 الدر المختار للطحاوی و نقل عن النهر و یدب مسا که یمینا بان یجعل الخنصر اسفله و الابهام من
 راسه و باقی الاصابع فوقه و کذا جاز عن ابن مسعود رضی الله عنه لانه من اعمال طهارة
 و قیاس ان فیہ از الله الاذی ان یکون بالیسری و بعضی علی غیر اصحاب بی حنفیه و جمیع البیہ
 بسوی گرفتن مسواک بدست چپ رفته اند کذا فی حاشیة الطحاوی علی الدر المختار
 ادراک هشتم در بیان شستن مسواک سنت آنست که دل بشوید
 مسواک را اگر خشک باشد پس مسواک کند و همچنین در انشای مسواک کردن نیز بشوید
 و همچنین بعد فراغ قبل نهادن آن پشروین بشوید فی غیثه استملی و الصغیری

در این مورثان کوری و نسیان

در این مورثان کوری و نسیان

و یسل السواک ان کان یابساً و یغسله عند الاستیباک و عند الفراغ منه و فی المرقاة
 قال ابن حجر و یؤخذ منه ان غسل السواک فی السواک و بعده قبل وضعه سنة و فی سنن
 ثم یغسل فیه بعده و صاحب بنایه شراح هدایه مائل بعد م سنین شستن سواک شستن
 کما فی شرحه علی الهدایه باید دانست که حکمت و شستن سواک قبل از سواک کردن است
 که نرم شود و دندان را از خمی نکند و نرم کردن سواک بآب بن بست یا آب طاهر
 علیحدہ گذاشتن منہاج العباد و حکمت و شستن بعد سواک کردن برای آنست که شایطان
 بآن سواک نماند فی جامع الرموز و اذا استنک بغسل و الا فاشیطان یستاک به یکن
 الی المختار پوشیده نماند که حکمت حل کردن استیاک شایطان بر معنی تحقیقی آن چه حل نم
 نجیث است فی حاشیة الطحاوی علی المختار قوله و الا فاستاک الشیطان به المانع
 من جملة علی الحقیقة ای و موضع الفم نجیث و اوراک نرم در او ضاع مکر و به سواک
 و آن چند اند از آنجمله سواک کردن در حالت منطباع چنان مورث و رازی طحال است
 فی امداد الفتاح و بکرة الاستیباک مضطرباً فانه یورث کبر الطحال فی البحر الزانق و بکرة الاستیباک
 مضطرباً فانه یورث کبر الطحال کذا فی اشراج الولوج و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله سواک
 ثرون است در حالت قیام که موجب در ذراخوست کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله سواک
 کردن است در حالت مشی که باعث در و پشت است کذا فی مفتاح الجنان و اوراک و هم
 و بر بیان جامائیکه سواک در آنها مکر و به است از آنجمله سواک
 ثرون در محافل نزدیک بر آمدن آب از حلق و درین خصوصاً و بروی علماء و بزرگان
 گذاشتن اشعه اللغات و از آنجمله سواک کردن در حمام که از آن پوی و بهین میباشد
 گذاشتن اشراق الدرجات قطاعن فوائده و زشای و کذا فی مفتاح الجنان و از آنجمله

اوراک نمودن در وضع کبر سواک

اوراک نمودن در زمان سواک کردن

مسواک کردن در مسجد و جنبه گمان افتادن نفث و مثل آن در آن باشد فی المرقا لا یسج
 المسجد اذا خشی نظایر شی من الیقین او نحوه و از آن جمله است مسواک کردن در فرجه چنان
 نزد خدا می بخشد و معوض میشود که ذاتی مفتاح الجنان آدراک یانه و بهم در بیان
 اشبی المستحب مسواک بدانکه جائز است مسواک ساختن از هر چوبیکه باشد لیکن مستحب است
 که مسواک از چوب و زیت تلخ تر باشد چه اگر این چوبها خوش می کنند بوی و بین را قوت میدهد
 معده را و زخم می کنند و دندان را علی الخصوص چوب و زیت پیلو که این افضل قاطع بلغم
 و صاف کننده دهن و گواردنده طعام است پسته بعد چوب یک چوب و زیت از چوب
 مستحب و در بیان مسواک زیتون حدیثی هم آمده است که ذاتی حاشیه الدرا المختار
 اللطیف اوی نقل عن الطبرانی نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و هو سواکی و هو الکمال
 من قبل یعنی چه خوش مسواک است زیتون از و زیت برکت داده شده و این مسواک من و
 انبیای پیشین من است و در اشعة المعانی است که در باب مسواک پیلو چند احادیث آمده است
 فی الصغیری و قالوا و یستاک بكل عود و فی العالم کثیر و یمنی ان یکون السواک من شجرة
 مرة لانه یطیب الفم و یشد الاسنان و یتقوی المعدة و یتقوی رطبا و فی امداد الفتح
 و یمنی ان یکون السواک لینا فی غلظ الاصبع طول شبر مستویا قلیل الحقد من الاشجار المعروفة
 و هو الاراک لیكون اقطع للبغیر و النقی للصدر و اهنی للطعام و فی غنیة المستملح الصغیری
 ثم المستحب ان یکون من شجرة مرة کثیرة لانه یشد الفم و یمنی فیها الاضداد افضل الاراک ثم الزیتون
 و فی جامع الرموز و اصله من الزیتون فان منه سواک الانبیاء کما فی الینایج و فی المرقا
 قال النووی و یحب ان یتاک بعد من اراک فی شرج المسلم للنووی و المستحب ان یتاک
 بعد و متوسط لانه یشد الفم و یشد الاسنان و لا یطرب لانه یمنی فی شرج المسلم و یمنی فی شرج المسلم

در کتاب و در بیان آن
 که اگر از چوبیکه باشد

و بوقت واصل شوک فی جامع الرموز و من شرب الخوخ ادا التوت و اواصل الشوک کما فی صلوة
 المسعوده ادراک دو از دهم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک بدانکه مکرده
 تحریریست مسواک سختن از چوب موز و انار و فی و حرامست از شئی که زهر دارد و نخواه
 چوب باشد یا غیر آن فی الدر المختار و بکره بموز و فی حاشیئته للطحطاوی ای تحریم اللاطیات
 و فیها ایضا بموز ای کالقصص الفارسی و فی غنیة المستمل و الصغیری و یساک بکل عود الا ان
 و لقصص الدر یحرم بنی سیم و فی حاشیئته للطحطاوی من خشب غیره ادرائ
 سینر دهم در بیان موضع نهادن مسواک باید دانست که نهادن از دو جای
 خالی نیست یا بر بدن انسان یا غیر آن لهذا این ادراک متبکر و فائده شد فائده اول
 سنت آنست که بپند مسواک را بر گوش خود و موضع نهادن قلم کاتب و حکمت و رنهان
 این موضع آنست که گرفتنش آسان می شود و بواسطه مسواک یا میسنداند و آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم مسواک خود جای نهادن قلم کاتب بر گوش می نهادند و همچنین اصحاب
 آنحضرت صلی الله علیه و سلم نیز می نهادند و نیز در پیچ عامه نهادن سنتست چنانچه بعض
 صحابه در طی عامه خود می نهادند فی جامع الرموز و موضع سواکه صلی الله علیه و سلم می نهادند
 موضع القلم من اذن الکاتب اسوکه اصحابه خلفت اذانهم کما قال الحکیم الترمذی و فی
 المرقاة قال ابن حجر و حکمت فی وضعه و لک الموضع لیسهل تناوله و یدکر صاحبیه به فیس
 و فی جامع الرموز و کان بعضهم یضع فی طی عامته فائده دوم سنن او را آنست که نه نه مسواک
 عرضا که این مورد جنونست بلکه انتصابه کن آنرا به اعتماد چیزی و استاده کن جامع الرموز
 و لا یضع عرضا بل یغضب الا فطر الجنون و فی الدر المختار و لا یضع بل یغضب و الا فطر الجنون
 و فی حاشیئته الدر المختار للطحطاوی قوله بل یغضب بان یسند معتدا الی شئی و فیه

ادراک دوم در بیان اشجار مکر و همه و محرمة سواک

ادراک سینر دهم در بیان موضع نهادن مسواک

ایضا الخطر کما فی اقاموس الشرف والسبق والاداء التانی ای یبقه الجنون لهذا الفعل ویأ
 الیه ادراک چهار و دهم در بیان جواز ترک سواک بعد از باید دانست
 که منرا و از نیست که ترک کند سواک را بحالتی که در حالت غدر که ترک آن در بصورت جائز
 و غدر ترک سواک آنست که بترسد از فی در کردن سواک فی العالمگیریه و من خشی من السواک
 تحریک القی ترک فی البحر المالح و من خشی من السواک القی ترک که ادراک پانز و دهم در بیان
 چیزیکه قائم مقام سواک میشود نزدیک غدر به آنکه جائز نیست ترک
 سواک مگر بعد از آن موجود نبودن سواک یا نبودن دندان یا ضرر رسیدن در بدن
 از سواک کند فی امداد الفتح و چیز بانیکه قائم مقام سواک میشود چند چیز است از آنجمله آنست
 که قائم مقام سواک میشود هنگام موجود نبودن سواک ثواب سواک بدان حاصل میشود
 و اگر سواک موجود باشد در بصورت آنست قائم مقام سواک نمی تواند شد و ثواب سواک
 نیز حاصل نخواهد شد فی الکافی و لایقوم الاصبیح مقام الخشبته حال وجوده فان لم توجد
 یقوم مقامها لانه علیه السلام فعل کذا فی الخلاصه ینال بالاصبیح ثواب السواک فی
 حاشیة الطحاوی علی الدر المختار قوله مقامه ای فی تحصیل الثواب کما فی المنه و غیره
 و فی غنیة المستمل والصغیری و لایقوم الاصبیح مقام السواک عند وجوده و انگشتی که قائم
 مقام سواک می شود انگشت شهادت و انگشت نردست رست برای جانب
 چپ انگشت شهادت و انگشت نردست چپ رست برای جانب رست فی العالمگیریه
 و لایقوم الاصبیح مقام الخشبته فان لم توجد الخشبته فیح یقوم الاصبیح من بینه مقام الخشبته
 لذل فی المحیط و الطهیریه و فی حاشیة الطحاوی علی الدر المختار و الاصبیح فی الهندیه یفید لکن
 بایمنی و هذا انما یظهر من جهة الیسری فقط و کذا قال فی البحر و الافضل ان یمید بالسبابة الیسری

در این باب
 در بیان جواز
 ترک سواک
 در بیان
 چیزیکه
 قائم مقام
 سواک
 میشود
 در بیان
 ثواب سواک

ثم یأیئنی آه ای لان البسری بجهة الیمنی والیمنی بجهة البسری وفي السراج الوکروج فان کلمة
استعمل خرقة شتة واصبغه السباکین یمینه وولیل برین عدما چند احادیث اند که در کتب
احادیث بطرق متعدد مروی اند اول آنکه در فتح القدر و مرقات بروایت سیفی از ابن

رضی الله عنه منقول است قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یخیر من السواک الصابغ
یعنی کفایت میکند از مسواک انگشته و درین حدیث کلامی کرده شده که زانی الکتابین المذكورین
دوم آنکه در ابعاد الفتح و شرح مختصر از شمنی و قاری بروایت طبرانی از عایشه صدیقہ

رضی الله تعالی عنہا روایت است قالت قلت یا رسول الله الرجل یندب فیه یساک

قال نعم قلت کیف یصنع قال یخل اصبعه فی فیه یعنی گفت ام المؤمنین عایشه صدیقہ رضی

عنہا که گفت من یا رسول الله مروی که برود و دهن او یعنی دندان و یا گوشت دهن را

فی غنیة استعملی آیا او مسواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفتم چگونه کند فرمود

داخل کند انگشت خود در دهن خود و سوم آنکه در ابعاد الفتح و بهر دو شرح مذکور از علی

رضی الله عنه روایت است قال التثویص بالسبحة الابهام سواک یعنی شستن با کبزه

گردن دهن از انگشت شهادت و ابهام سواک است چهارم آنکه در بنایه از بیہقی روایت

قال یا رسول الله یغتنانی السواک فیل دون ذلک من شی قال صبیحک سواک اغتسل

و غنوتک یعنی راوی گفت یا رسول الله رغبت دادمی باراد بر مسواک کردن پس آبا سواک

ازین چیزی است فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم انگشت تو مسواک تست نزد ذلک وضوئی

بیستم آنکه در هدایه روایت است انه علیه السلام فعل کذا لک یعنی کرده است آنحضرت علیه السلام

بچینین درین حجت سواکی است که صاحب بنایه شارح هدایه گفته که زبانی وار کرده است

که ثابت نشده است درین باب لکن آنحضرت صلی الله علیه وسلم داخچه پایہ ثبوت سیدنا

قول آنحضرت صلی الله علیه وسلم است چنانچه از احادیث سابقه بمعنی بیایه ظهور میسر
و جواب او بنا بر تحقیق صاحبینا اینست که سوک از انگشت از فعل آنحضرت صلی الله علیه
وسلم نیز ثابت شده است چنانچه در سنن احمد از علی رضی الله عنه روایت شده است
انه دعا بکون من باقر فصل وجهه و کفیه ثلاثا و مضمض فادخل بعض اصابعه فی فیه بحديث قال
فی آخره وهو وضوء رسول الله صلی الله علیه وسلم یعنی طلب کرد علی رضی الله عنه کوزه از آب
پیش دست ردی خود و بهر دو کت خود سه بار مضمضه کرد پس داخل کرد در حوض انگشتان
خود در دهن خویش تا آخر حدیث و فرمود در آخر وضوء این وضوء رسول الله صلی الله علیه
وسلم است ازین تشبیهات می تراود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بجای سوک ادا حال
انگشتان فرموده اما حکم انگشت نزد اصحاب شافعی پس اگر نرم باشد کفایت نمیکند از سوک
و اگر سخت باشد پس درین سه قول است اول اجزاء و این قول مشهور است و دوم عدم اجزاء
سوم اجزاء در صورت موجود نبودن غیر و عدم اجزاء در صورت موجود بودن غیر

فی شرح مسلم للنووی و اما الاصح فان كانت لیثه کم یحصل بها السوک وان كانت
مشتتة ففیها ثلاثه واجبه لاصحابنا المشهور لا یجوزی والثانی یجوزی والثالث یجوزی ان کم
غیر باول لا یجوزی ان وجد و تریه یک بعض شافعیه انگشت غیر قائم مقام سوک میشود و اصح
مستاک قائم مقام آن نمی تواند شد و نیست این مذہب مگر حکم بحث فی غنیة المستملی و بموجب
بعض الشافعیة اصبح الغیر دون اصبح لنفسه حکم بلا دلیل و از آنجمله پاره بحث است که آن
نیز قائم مقام سوک می شود فی الدر المختار و عند فقده و قد استانه لقوم الخرقه الخشنه و الا
مقامه و از آنجمله است عکس و صمغ و هر چیزیکه لزوج باشد و فیکه یافته شود نیست پس قائم
مقام می شود بلکه در حق زنان مستحب استعمال عکس با وجود قدرت آنها بر سوک

بسبب رفت بشو آنها و برای آنکه موجب و مداومت بر مسواک ضعیف میکند و ندان آنها را
 بلکه بخوف سقوط دندان می باشد و عکس دندان و لثه آنها را سخت و مستحکم میکند فی الجمله
 یقوم مقامه لمرآة لکون المرآة علیہ تضعف اسنانها فیسحب لها فعله و فی صلوة المسعود
 لا یجوز لمرآة ان یتاک و العکس قائم مقام استیا کس و کذا فی الشرح الفارسی بشرح الوقایع
 و فی امداد الفلاح و یقوم العکس مقام النساء و لثه بیشتر من و فی الدر المختار کما یقوم العکس مقامه
 لمرآة مع القدرة علیہ و فی المحيط العکس لمرآة یقوم مقام السواک لانها تخاف منه سقوط
 اسنانها لانها ضعیفة و العکس یمسک اللسان و لثه اللثة و فی حاشیة الطحاوی علی
 الدر المختار و مقامه ای فی الثوب اذا وجدت الثیبه و انه یجمله است سعد که نوعی از گیاه است
 و از آنجمله است اشنان که آن هم از اقسام کاه است فی شرح المسلم للنووی و بابتی شیء اشتا
 عا یرید ال تنحصر اصل السواک کالخرقة الخشب و السعد و الاثنان و ادراک شاز و هم
 و بر بیان نیت وقت سواک سزاوار آنست که نیت کند هنگام مسواک کردن
 بدین مضمون که طاهر کنیم زبان خود را برای خواندن قرآن و ذکر و نماز کذا فی صلوة الطحطاوی
 عن احیاء علوم الدین و کذا فی مفتاح الجنان و ادراک هم مقتد بهم و بر بیان و عا
 نر و یاک سواک سزاوار آنست که نزدیک مسواک کردن و عا بخواند و دعائی که
 در ین باب دیده شدید و عبارت یافته شد اول آنکه اللهم طهر فی و نور قلبی و طهر بدنی و طهر حسنی
 علی النار و ادخلنی جنتک فی عبادک الصالحین کذا فی البنایه شرح المدهیه و هم آنکه اللهم احصل
 تسوی فی هذا فیصل الذنوبی و مفضاة لک یا سیدی و بعضی بیجی کما یتفصیل به سانی کذا فی
 تندیب الصلوة ترجمه دعا اول اینست بار خدا یا پاک کن دهن من و روشن کن دل من
 و پاک کن بدن من و پاک گردان جسم من بر آتش و در آرم بر رحمت خود و در بندگان

ادراک و در بیان نیت وقت سواک

ادراک بقصد هم و بر بیان و عا نزدیک مسواک

در این کتاب
در بیان مسائل
السواک

نیک خود و ترجمه دعای ثانی این است بار خدا یا بگردان این سواک کردن من پاکیزه گردان
من و خوشنودی برای تو ای سرور من و روشن کن بدان روی من چنانکه بر پیشانی
بدان دندان من آرد آک میچند هم در میان سواک کردن سواک محسن
باید دانست که جائز است بلا کراهت سواک کردن سواک دیگری و فقیه رضای او صراحت
یاد دلالت یافته شود فی شرح المستفاد و لا بأس ان میستاک بسواک غیر و فی شرح مسلم الکند
و لا بأس به استعمال سواک غیره باذن و فی المرقاة و فیهِ دلیل علی ان استعمال سواک غیره
غیر کرده و دلیل بر اثبات این روایات و حدیث است اول حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح
بر روایت ابو داؤد و از حضرت ام المومنین عایشه صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا مروی شده
قالت کان النبی صلی اللہ علیہ وسلم میستاک فی طینی السواک لا غسله فاید آیات است که ثم سلم
و ادفعه الیه یعنی گفت عایشه رضی اللہ عنہا که یو را آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم که سواک میکرد
پس میداد مرا سواک تا بشویم آنرا پس سواک میکردم من آنرا پستری شستم آنرا و میداد
آنرا آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم و ثم حدیثی است که در مشکوٰۃ المصابیح بر روایت بخاری
از عایشه صدیقہ رضی اللہ عنہا مروی گشته قالت ان من نعم اللہ علی ان رسول اللہ
صلی اللہ علیہ وسلم توفي فی بیثی و فی یومی و بین یومین و فی و ان اللہ جمع بین یرقی و رقیه
عند موته دخل علی عبد الرحمن بن ابی بکر و بیده السواک انا مسنده رسول اللہ
اللہ علیہ وسلم فرأیتہ یقطر الیه و عرفت انه یحب السواک فقلت آخذہ لک فاشا برأیہ
ثم قمتا و وثقتا علیہ و قلت الیئسہ لک فاشا برأیہ ان نعم قلینته فامرہ و بین یدیه
زکوة فیہا نار فجل یدخل یدیه فی الماء فمسح بہا وجهہ و یقول لا الہ الا اللہ ان الموت
سکرات ثم نصب یدہ فجعل یقول فی الیق الا علی حتی قبض مالت یدہ یعنی بدستیکه

عائشه رضی الله عنها بود که میگفت تحقیق از نعمتهای پروردگار بر من نیست که تحقیق رسول
صلی الله علیه وسلم وفات کرده شد در خانه من و در روز فوت من و در میان سینه من
من و بدرستی که خدای عزوجل جمع کرد آب بن من و آب دهن آنحضرت صلی الله
وسلم نزد یک موت و می علیه السلام بدرستی که در آمد بر من عبد الرحمن پسر ابی بکر و بیت
او سوائی بود و من نگیه کننده رسول الله صلی الله علیه وسلم بودم پس بدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را که می بیند بسوی مسواک پیش من ختم که آنحضرت صلی الله علیه وسلم دوست
میدارد که مسواک کند پس گفتم که گیرم آن را برای تو پس اشاره بس کرد که آری پس دادم آنرا
به حضرت صلی الله علیه وسلم پس سخت آمد مسواک کردن بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفتم
که نرم کنم آنرا برای تو اشاره کرد و بسو خود که آری پس نرم کردم آنرا پس گرفت آنرا پس
گذراند آنرا بر دندان و در بر وی آنحضرت صلی الله علیه وسلم کوزه بود که در می آورد
و ستهای خود را در آب و می مالد بدان روی خود را و می گفت لا اله الا الله تحقیق
که برای موت بنحیث است پس بج داشت دست خود را پس شروع کرد در گفتن این کلمه
الافق الاعلی تا اینکه فیض کرده شد روح مبارکش و بیقناده دست او آدر آب
تو زدیم در بیان آنکه مسواک ناسخ فرضیت وضو نزدیک نماز است
بدانکه بود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مأمور بوضو کردن نزدیک هر نماز خواهد و وضو باشد
یا نباشد پس گاه که دشوار شد انگار به حضرت صلی الله علیه وسلم موقوف شد فرضیت
وضو مگر از حدث و امر کرده شد بسواک کردن نزدیک هر نماز بکذا فی شیخ سفر السعاده
ناقله عن احمد و ابی داود و عن عبد الله بن عامر الغفیل و در سند دارمی از عبد الله
بن عمر است قال قلت ارأیت توفض ابن عمر کل صلوٰة طاهر او غیر طاهر عمر ثلاث

در که توفض می بیند آنکه سواک است و وضو نیست و وضو طاهر است

قال حدثنا اسما بنت زيد بن خطاب بن عبد الله بن خطاطة بن عامر حدثنا ان رسول
صلى الله عليه وسلم أمر بالوضوء لكل صلوة طاهرا او غير طاهرا فقامت في ذلك عليه من السواك
لكل صلوة وكان ابن عمر يرى ان به على ذلك قوة فكان لا يدع الوضوء لكل صلوة وهكذا
في سنن أبي داود يعني راوى گوید گفتیم که خبر ده که وضو کرد این عمر رضی الله عنهما برای
هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر تعظیم کرد این را گفت که حدیث کرد او را اسما بنت زید ابن خطاب
که به تحقیق عبد الله بن خطاطه بن عامر حدیث کرد مرا که به تحقیق رسول خدا صلی الله علیه
وسلم حکم کرده شد بوضو برای هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر پس هرگاه دشوار گردید این کار برو
حکم کرده شد بر اسواک نزدیک هر نماز و بود عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می دید که در
برین کار قوتی است پس ترک نمیکرد وضو برای هر نماز و در آن بستم و پیمان آنچه
در خواب دیده شد درباره سواک و بیان آنکه سواک کردن جمیع
زیادت علم و باعث فتح غزاست پس درین باب سه حکایت نقل کرده امی شوند
اول حکایت روایى آنحضرت صلی الله علیه و سلم است و آنرا بخاری و مسلم در صحیحین خود
ابن عمر رضی الله عنهما روایت کرده اند ان النبی صلی الله علیه و سلم قال ارانى فی المنام
اتسوک بسواک فجاء فی جلال احدیها اکبر من الآخر فقلت السواک الا صغر منها فقیل لی
لیرفعه الی الاکبر منها یعنی به تحقیق نبی صلی الله علیه و سلم فرمود که می بینم خود را در خواب
که سواک میکند بسواکی پس آنرا میزد و میزد که یکی از آنها بزرگتر است از دیگری پس دوم
سواک را بخورد و تر از آنها پس گفته شد برای من که بدو آنرا به بزرگتر پس دوم آن را
به بزرگتر از آنها دوم حکایت روایى ابراهیم نخعی آنحضرت صلی الله علیه و سلم است
که در منقلح الجمان باین عبارت مذکور است که خواجہ ابراهیم نخعی رحمته الله علیه متعالم

اور اس خبر سے زبان انجی نہ دھڑلے کہ یہ خبر میرا ہے اور اس کے لئے کہ میں نے اس کو

راضی الله علیه وسلم در خواب دید از خود بنا لید که یا رسول الله چیزی میخوانم و با و نمیتوانم رفتن
 رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود کجائی که خبر نداری از چند چیز اولاً آنکه اندک خوردان لب
 خبث قرآن بسیار خوان و نماز بسیار گزار و برای هر نمازی طهارت ساز و مسواک کن
 ابراهیم نخعی گفت چون از خواب بیدار شدم و این وصیت رسول الله صلی الله علیه وسلم
 بجا آوردم در بیان اندک زمان مقتدای عالمیان شدم سوم حکایت روای عبد الله
 مبارک است و آن نیز در نقل احسان بدین الفاظ منقول است آورده اند کشف عبد الله
 مبارک همه عمر خود را سه قسم کرده بود یکسال حج رفتی و یکسال غذا کردی و یکسال علم
 در کسفت حکایت می کنند که یکسال بقرارفته بود بر قلعه گبران دست نمی یافت و ران اندیشه
 بخواب رفت رسول الله صلی الله علیه وسلم را بخواب دید منتر عالم فرمود که یا عبد الله و چه
 اندیشه گفت یا رسول الله برین قلعه گبران دست نمی یابم رسول الله صلی الله علیه وسلم
 فرمود کجائی که خبر نداری از طهارت با مسواک عبد الله از خواب در آمد و طهارت با مسواک
 کرد و غازیان را فرمود تا همه طهارت با مسواک کردند آن دیده بانان از بالای قلعه نگاه
 کردند آن حالت را دیدند خدای عز و جل پیوستی در دل ایشان انداخت فرو آمدند و با
 امیر قلعه گفتند که جماعتی آمده اند که آدمی خواران اند دند آنها تیر می کنند اگر با با طفر یا بند و مار
 از نهاد ما بر آید خدای تعالی خوفی در دل ایشان انگند قاصدی بیرون فرستادند که از ما
 مال میخواست یا جان عبد الله مبارک گفت نه مال میخواستیم نه جان از شما آن میخواستیم که اسلام
 آرید همه یکبار اسلام آوردند از بركت اقامت سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم و آن مسواک
 ادراک بست و یکم در اوقات مستحبه مسواک باید داشت که اوقاتیکه در آن
 مسواک کردن مستحب و سنت است بسیار اند بعضی از آنها به نسبت بعضی موه که تراند و در آن

آن اوقات طولى هي نحو ابدواين رساله مختصره كنجائش آن ندارد و لهذا حكم الایدرك كذا لا يترك
 كنهه منيجه اوقات اكتفاى وزيم اول وقت وضوء تفصيل اين مقام به بطن تمام سابقا
 گذشته مشايخ الاطلاع عليه فاي رجع اليه في شرح انظام السواك له اى للوضوء فان السواك
 عندنا من سنن الوضوء دوم وقت تغيير لوى دهن واين موكد ترست و بوى دهن مسيب
 خواب با بيدارى يا تشنگى يا بخرى يا بخرى در طعام بدو در حال شده باش كذا في اشعة
 اللغات يا تغيير دهن از ترك آشاميدن آيا طول سكوت يا كثرت كلام كيا ساني في كلامه و
 في شرح المسلم سوم وقت بيدارى از خواب چهارم وقت در آمدن در خانه پنجم وقت در آمدن
 مردان ششم وقت قرات قرآن هفتم وقت قرات حديث هشتم وقت زروى و زمان
 في امداد الفتاح و دليل السواك من خصائص الوضوء فانها يستحب في حالات منها تغيير الفم و القيام
 من النوم و الى الصلوة و دخول البيت و اجتماع الناس في قراته القرآن و الاحتياث لقول النبي
 ان السواك من سنن الدين و يستوى فيه الاحوال كلها و قال عليه السلام السواك مطهرة للفم
 و مرضاة للرب و في السراج الوهاج و عند قراته القرآن قال صلى الله عليه وسلم طهر و اساك
 القرآن و في فتح القدير و يستحب في خمسة مواضع اصفرار السن و تغيير الرائحة و القيام عند النوم
 و القيام الى الصلوة و عند الوضوء و الاستقرار في غير ما و فيما ذكرنا اول ما يدخل البيت و في
 شرح المسلم للنودى و لكن في خمسة اوقات اشده استحبابا احدا عند الصلوة سواء كان مطهرا
 بما اذ تراب او غير مطهر من لم يجد ماء و لا ترابا الثاني عند الوضوء و الثالث عند قراته القرآن
 و الرابع عند الاستيقاظ من النوم الخامس عند تغيير الفم و غيره يكون با شياء منها ترك الاكل
 و الشرب و منها اكل ماله رائحة كريهة و منها طول سكوت و منها كثرت الكلام و في البناء
 و الاستحباب يتأكد فيه عند تغيير الفم ثم وقت آغاز كلام خصوصا في ثبته بعد سكوت طويل

اتفاق کلام افتد و هر وقت قیام به تجدید یازدهم وقت تغییر یوی پنج دندان دوازدهم قبل
 از غسل کذا فی منهاج العباد الی المعاد سیزدهم باین شفعه از نماز شب چهاردهم روز جمعه
 پانزدهم پیش از خواب شانزدهم بعد نماز و ترهقه هفدهم وقت سحر کذا فی البنایه شرح الهدایه
 به تجدید هنگام قیام بسوی نماز و این استحباب نزدیک شافعیه و بعض حنفیه رحمهم الله است
 خصوصاً قبل از نماز ظهر و فجر کذا فی شعبة اللغات و فی البنایه و به شرط الوضوء و تیا که طلبه
 عند ارادة الصلوة و عند الوضوء و قراة القرآن و الاستیقاظ من النوم و عند تغییر الفم فی
 المرقاة علی التمام خاتمه نقل عن التتمة و یستحب لسواک عندنا عند کل صلوة و وضوء و کل
 شیء یغیر الفم و عند الیقظة و فی البنایه و عند الشافعی بهیستة للقیام الی الصلوة عند الوضوء
 و عند کل حال تغیر فی الفم پوشیده نماید که بعضی از شافعی درین باب چنین نقل کرده اند که اگر
 مصلی محدث باشد پس این مسواک کردن از سنن صلوة خواهد بود و کذا فی سراج الاطلاق و نزد
 بعض حنفیه مسواک نزدیک نماز سنت نیست بل کرده است و برین مدعا و دلیل قائم کرده اند
 اول آنکه روایت نگروه شد که آنحضرت صلی الله علیه و سلم مسواک کرده باشد هنگام قیام
 نماز کذا فی المرقاة دوم آنکه بسا اوقات از مسواک کردن برمی آید خون و آن نجس است باجماع
 اگر چه ناقض و نه یسیرت نزدیک شافعی رحمه الله تعالی و فی البحر الرائق لکن قولهم یستحب الی القیام
 الی الصلوة ینافی ما نقلوه من انه عند الوضوء لا الصلوة لانه ربما خرج منه دم و هو نجس
 بالاجماع و ان لم یکن ناقضاً عند الشافعی و ثمة خلاف ما بین ما حنفیه و شافعی و برین صورت
 ظاهر میشود نخستین آنکه چون بخواند چند نماز بیک وضوء که در آن مسواک کرده باشد پس آن
 میکند سنت مسواک در هر نماز نزدیک ما حنفیه و ادانی شود نزدیک شافعی و دومی
 آنکه چون چند نماز بیک وضوء خواند و مسواک کرد در آن وضوء پس هر نماز نزدیک ثواب

بقضا و نماز که غیر مسواک گذارده شده است می دارد و نزدیک شافعی در یک نماز این نوعی را
 به پیشینه در دیگر نمازها مگر و فیکه مسواک کند برای هر نماز فی اعداد القامح و اسواک بین السجود
 عندنا لا من بین الصلوة فیحصل فضیلتی فی کل صلوٰة صلا باو حضور استاک فیه من غیر استیاک
 عند قیامه اما فی البحر الرائق و قالوا فائدة اخلاف الظاهرین جمعی ابو حضور و احد صلوات کیفیه السواک
 للوضوء عندنا وعند الشافعی استاک لكل صلوٰة و فی سراج اطلاق قال شافعی استاک من بین الصلوة
 و فائدة اخلاف الايضاً لصلوة الظاهر استاک بقی علی وضوء الی اخره مغرب کان استاک الاول سبقة
 لكل غنة و عند و یسان استاک لكل صلوٰة و فی حاشیة الطحاوی علی الدر قوله هو الوضوء عندنا و عندنا
 للصلوة و یظهر الشرح من جمعی ابو حضور و احد صلوات و قد استاک فیه یکون صلوٰة بسبب بین صلوٰة من غیر
 سواک عندنا و عند الشافعی لا یحصل الا اذا استاک لكل صلوٰة فائدة فی البحر و نزدیک بعض تنقیه
 سنت سواک برای نماز وقتی است که هنگام وضوء ترا فراموش کند اما اگر فراموش کرده باشد پس آن
 نماز نیست بلکه برای وضوء است فی الدر المختار و هو الوضوء عندنا الا اذا نسیت ان تریب للصلوة و فی
 سراج اطلاق و اما اذا نسی الظاهر ثم ذکر بعد ذلك انه یستحب له ان یستاک حتی یدر کیفیاته و یکن
 صلاته بسواک جماعاً و الا کانت و دوم و یسان فوائد و منافع مسواک است
 که در مسواک فوائد و منافع بسیار اند بعضی تا بمقتدا فائدة گفته اند که دمای آن دور کردن قند
 و اعلائی آن یا و داندن کلمه شهادت است وقت موت چنانچه در افیون بمقتدا مضرت است
 که دمای آن فراموش شدن کلمه شهادت است وقت موت و نزدیک بعضی علما رحمهم الله
 شش منفعت است فی ارفاقه فانها قبل فی سبعون فائدة و فیها ایضا و فی الافیون سبعون
 مضرة اقلها نسیان الشهادة و فی حاشیة الطحاوی اذا ما اطاعة الاذی و عسلها
 تذکیر الشهادة عند الموت رزق الله ذلک بمنه و کرمه و فیها ایضا قوله و من منافع فی التمر

استاک است و یسان و در سراج اطلاق

وصلت منافعه بست و توشین و اینجا حسب ل بعض علماء کبری و مشفقین اند و منافع کفای
می رود اول خوشنودی پروردگار عالم است دوم طهارت و دین است سوم اتباع سنی
مرسلین خصوصاً سنت سیار رسول الله صلی الله علیه و سلم است چهارم نماز یکبار برای آن
گروه شود و بر نماز یکبار برای آن مسواک نکرده شود و عزت و فضیلت دارد و به بقا و درجه و ذکر این
چهار منافع و فوائد در خبر سید البشر نیز آمده است کما یساقی فی الادراک الاتی پنجم دور کننده
گناهان است ششم زیاده کننده در نیکیها به فقرم قاطع صغر است هفتم سخت کننده لشع است
لذاتی سراج اطلال و البدر التام تمام شفا از هر مرض است سوای موت و دهم یاد دهنده بکلمه
شهادت است وقت موت کذا فی الدر المختار یاد دهم دور کننده تغییر بوی دهن و دوازدهم
دور کننده شیطان سیزدهم نجات دهنده از بقا و دو و بیست و چهارم خوش کننده ملائکه
لذاتی تهذیب الصلوة پانزدهم دور کننده تغییری که حاصل شده است از سکوت کذا فی المرقا
شانزدهم مورث غناست هفتم دور کننده حاجت بجهت هم نفع کننده و در دهر است
نوزدهم نفع کننده در وثیقہ است بیستم نفع کننده در دندان است کذا فی اشراق الدجانی
بست و یکم دیر آو زنده پیرست بست و دوم ستابی دهنده است در قرن پیر صراط کذا فی
حاشیه الخطاوی علی الدرنا قلا عن ابی اسعد و بست و سوم زیاده کننده حسن و عین
کذا فی مفتاح الجنان بست و چهارم و غرض و غضب آو زنده شیطان است کذا فی
البحر الرائق و سراج اطلال و البدر التام بست و پنجم قوت دهنده دندان است بست و ششم
دور کننده زردی دندان است کذا فی الصغیری و تهذیب الصلوة بست و هفتم دور
کننده بلغم است بست و هشتم قوت دهنده معده است کذا فی سراج اطلال
و البدر التام و تهذیب الصلوة بست و نهم خوش کننده بکمت دهن کذا فی الصغیری و سراج اطلال

سعي ازيد كنده فصاحت سعي وكيم زياره كنده ورزق ست سعي و دووم آسان
 كنده سكرات موت ست سعي وسوم دفع كنده غدا بفرست سعي و چهارم روشن كنده
 بفرست سعي و پنجم باعث محبت و درميان خلق ست كذا في تهذيب الصلوة و اشراق الارباح
 سعي و ششم تير كنده بينائي ست كذا في الصغرى و تهذيب الصلوة و اشراق الارباح
 اورا لست وسوم و در بيان حكم مسواك برامى صائم جاهلست
 برامى روزه و مسواك كردن بلكه كه بهت تازه باشد يا خشك و از آب تركرده شده باشد
 يا نپيش از زوال آفتاب بود يا بعد آن اينست تهذيب امام ابى حنيفه و امام مالك و ربان
 و امام احمد و ربكى از دور و ايت مرويه از و اين جواز مخففست و با وجوه جواز اگر كسى
 مسواك كنده گمان كند كه مسواك كردن موجب افطار روزه شد پس بعد اين عذر بخورد
 بر وقضا و كفاره هر دو لازمست في جامع الرموز و لا يكره السواك في استعمال الخمر
 في الوضوء للفرغ من الغسل و غيرهما سواركان مبلول اول صباحا و راحا و نه اعمدا و في قفا
 قاضيه خان و لا باس بالسواك الرطب و اليابس في الغدا و العشي عندنا و في الميزان
 للشعراني و من ذلك كراهته السواك للصائم بعد الزوال فقال ابو حنيفة و مالك احمد
 احمد الروييني لا يكره و في الدر المختار و لا سواك لوعشيا و رطبا بالماء على المذهب في
 امداد الفتاح و لا يكره له السواك آخر النهار بل هو منه كاوله و فيه ايضا و لا يكره له السواك لو كان
 رطبا اى اخضر اى مبلولا بالماء لا طلاق مار و بنا قوله لوعشيا المراد ما بعد الزوال اراد
 به و على الشافعي فالسواك يكره عنه حيث لا زالت الخافق الذي هو اطيب من المسك
 عند الله تعالى و في الميزان للشعراني قال اول مخفف و في العالم كيريه و لو استاك فطن ان
 ذلك فطره فاكل بعد ذلك شتم عليه القضاء و الكفارة كذا في الخلاصة و دليل بر اثبات

اذا كان في وقت السواك كان حكمه كذا في المسائل

این مدعا چند احادیث اند ایضا بخاند کرونخ احادیث می پردازم اول حدیثی است
 که نزدی و ابی داؤد از عامر بن ربیع روایت کرده اند قال رایث النبی صلی الله علیه
 وسلم لا احصى بئسوک و هو صائم یعنی عامر بن ربیع گفت که دیدم نبی صلی الله علیه
 و سلم آن قدر که شمار کردن نمی توانم که مسواک میکرد حال آنکه روزه دار بود و وصحی
 که روایت کرده شده است از آنحضرت صلی الله علیه و سلم قال خیر صائم صائم مسواک یعنی بهترین
 خصلمتکار روزه دار مسواک است سوم حدیثی که از آنحضرت صلی الله علیه و سلم در بخاری و مسلم روایت کرده
 شده لولا ان شتی علی امتی لا مرم بالسواک عند کل صلوۃ یعنی اگر نبودیم که در مشقت اندازیم
 من امت خود را بر آینه واجب می گردانیدم بر ایشان مسواک کردن نزدیک بر نماز
 وجه استدلال ازین حدیث آنست که عند کل صلوۃ عام است شامل صلوۃ صائم و غیر
 صائم و شامل جمیع اوقات است پیش از زوال بود یا بعد آن چهارم حدیثی است که در
 کرده شد از آنحضرت صلی الله علیه و سلم صلوۃ بالسواک افضل من سبعین صلوۃ بالسواک
 یعنی یک نماز که مسواک ادا کرده شود بهتر است از هفتاد نماز که بغیر مسواک ادا کرده شود
 وجه استدلال ازین حدیث بر مدعا چنین است که صلوۃ اگر چه نکره و محل اثبات است
 لیکن بسبب موصوف بودنش بصفت عامه عام شد و عام شامل نماز صائم و غیر صائم
 پنجم حدیثی است که از عائشه صدیقہ رضی الله عنها روایت کرده شده است عن النبی
 صلی الله علیه و سلم کان یستاک ول النهار و آخره و هو صائم یعنی نبی صلی الله علیه
 و سلم است که بود مسواک میکرد اول روز و آخر روز و حال آنکه روزه دار بود و بعض
 احادیثی که در اوراک احادیث می آیند آن احادیث نیز نص صریح اند بر وجوب آن
 مسواک برای صائم فائز به مقتضای امداد القلاح و لایکروه السواک آخر النهار

[illegible]

ادخال الماء المضمضة وادخاله للاستیاک لان المضمضة لا تیادی بدون ادخال الماء
 واما الاستیاک فیتانی بدون و نزدیک بعضی مکروه است مسواک کردن در وضو و غسل
 فی جمیع الرموز و قبل بکړه فی وضو و غسل کما فی الزاهدی و غیره و نزد اسحاق مطلق مسواک
 رطب باشد یا بلس تر یا آب باشد یا نه مکروه است کذا فی شعبة المعات و نزدیک امام شافعی
 رحمه الله علیه و امام احمد و ربکی از دور روایت مرویه از و بعد زوال مسواک مطلقاً
 مکروه است فی الدرر و لا سواک و لو عشیاً او طیاراً بالماء علی المذهب و کربیه الشافعی و الا
 و فی المیزان للشعرانی و قال الشافعی و احمد فی الروایة الاخری مکروهه فیہ ایضاً و الثانی
 مشد و فرج الامرالی بربتی المیزان و حجت امام شافعی و امام احمد و اسحاق رحمهم الله
 بر اثبات این مدعا بدو دلیل است اول آنچه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم مرویت
 مخلوف ثم الصائم عند الطيب من السك لا ذفر یعنی هر آینه بوی دهن روزه
 خوشبو دار تر است نزدیک خدای تعالی از بوی مشک از فرو و وجه حجت گرفتن این
 حدیث بدو گونه است که مسواک زائل میکند این بوی را و در کتاب الامام با حادث
 الاحکام بر روایت ابی هریره چنین وارد شده و الذی نفس محمدیة مخلوف ثم الصائم
 اطیب عند الله یوم القيامة من ریح السک یعنی قسم بذاتیکه نفس محمدیة قدرت است
 هر آینه بوی دهن روزه دار پاکیزه تر است نزدیک خدای تعالی بر روز قیامت از بوی
 مشک دوم آنکه در مسواک کردن از الة اثر محو است فی شرح اسلام للنووی و فی الشیخ
 ان السواک بکړه للصائم بعد زوال الشمس لئلا یزال مخلوف المستحضر و فی حاشیة الطحاوی
 علی الدر المختار قوله و کربیه الشافعی لقوله صلی الله علیه و سلم مخلوف ثم الصائم عند الطيب
 ریح السک لا ذفر و لان فیه زالة الاثر المحمود و جواب این هر سه آنکه از طرف امام اعظم

بسته چکن است توجیه اول آنکه از مسلم که این حدیث دلالت بر نفی کردن مسواک دارد و جود دوم آنکه خلوفی که نزد خدا اطیب از مشک است زائل نمیشود از مسواک کردن و توجیه سوم آنکه صحابه کبار رضوان الله علیهم حسین بکره میداشتند کلام کردن خود با آنحضرت صلی الله علیه وسلم در روز به سبب تغییر بوی دهن خود بپس دور کرد آنحضرت صلی الله علیه وسلم این است که او را بزرگ عظمت شان خلوف روزه دار فی سحاشیه الطحاوی علی الدر المختار و لیس فیما روی اللہ علی انه لا یستاک و فی شرح الوقایه و نحن نقول ان خلوف الذی کان اطیب عند الله من المسک لا یرایا بالسواک و ایضا فی تلک الحاشیة و مدرج صلی الله علیه وسلم ان خلوف لانهم کانوا یتیمنون عن الکلام معه لتغیر فمهم منعم عن ذلک بزرگتر شانه مخفی شامد که بدون خلوف نزدیک خدا اطیب از مشک بد و توجیه اول آنکه روزه دار برین طیب خلوف ثواب داده میشود و زیاده از آنچه ثواب داده میشود تطیب بمشک در مواضعیکه در آن شتر عا طیب است و طیبیه مقصود است مثل یوم جمعه و عید الفطر و عید الاضحی توجیه دوم آنکه طیب خلوف دهن را از اطیب است به نسبت بوی مشک که نزد انسان است و ثوابی که عند الله بد و گونه است یکی بدون تقدیر مضاف است یعنی این خلوف دهن روزه دار نزدیک از خدا است یعنی از رحمت و ثواب خدا چنانچه تطیب بمشک مقرب محبوب نزدیک شماست و دیگر به تقدیر مضاف است یعنی نزدیک ملائکه خدا یعنی آنها خلوف دهن روزه دار را طیب از بوی مشک می شمردند کذا قال الطحاوی فی سحاشیه علی الدر المختار و ادراک لبست و چهارم در بیان فضیلت نماز یک مسواک گزارد و بشود بدانکه نماز یک برای آن مسواک کنند بر نماز یک برای آن مسواک نکنند متفاوت در فضیلت و حریت دارد و احادیثی که برین مدعا دلالت دارند و ادراک لبست و پنجم خواست آمد

ادراک لبست و چهارم در بیان فضیلت نماز یک مسواک گزارد و بشود

انشاء الله تعالی و اینجانبه که یک حدیث از ان التفاویر و فی التریب التریب ثاقلاً
 عن البقیة فی شعب الایمان احمد و ابن خریجه و الحاکم و الدارقطنی و ابن عدی و ابی نعیم
 عن عایشة رضی الله عنهما قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم تفضل الصلوة
 التي یستاک لها علی الصلوة التي لا یستاک لها سبعین مضاعفی عایشة یگوید که فرمود
 رسول خدا صلی الله علیه وسلم فضل دارد نمازیکه مسواک کرده شود برای آن بر نمازیکه مسواک
 نکرده شود برای آن هفتاد و چند ادراک است و بیجم در بیان احادیث
 که در باب مسواک مروی شده باید دانست که علماء جمیع ائمه فرموده اند
 که در باب فضل مسواک چهل حدیث وارد شده اند کما فی اشعة اللمعات لیکن بحایة کتب احادیث فقه
 و فضائل و احکام مسواک زیاده ازین هم بنظر آمده اند چنانچه عنقریب واضح میشود و هر چند
 بعض احادیث این ادراک سابقاً در ادراکات گذشته بمقام استناد بعض دعوی بطول
 سند مذکور شده اند لیکن اینجا بمقتضای آنکه هو المسک ماکرریه بتفصو غ و هم بنظر ابرار
 جمله احادیث مسواک بیک مقام اعاده آنها شده است اول نچه مشکوة المصابیح
 نقلاً عن المسلم از عایشة رضی الله عنهما و بیست و یک قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
 عشرة من الفطرة قص الشارب و اعفاء اللحية و السواک و استنشاق المار و قص الاظفار
 و غسل البرجم و تنف الابط و حلق العانة و انتقا ص المار یعنی الاستنجاء قال الراوی
 و لم یست العاشرة الا ان ینوی لمضمضة و فی رواية النخانی بدل اعفاء اللحية یعنی
 عایشة گفت رضی الله عنهما که فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که ده چیز از فطرت
 یعنی سنت انبیاست کوتاه کردن سبیل و فرو گذاشتن و وافر گردانیدن ریش
 و مسواک کردن و کشیدن آب در بینی و تراشیدن ناخن و شستن بر اجم یعنی بندها

ادراک بیست و یک در بیان احادیث که در باب مسواک مروی شده

انگشتان پیش پست آنها که چیرکها در آنجا جمع شود و برکندن موی بغل و شترن موج
 خانه و کم کردن آب یعنی استنجا را وی گوید که فراموش کردم خصلت و همراهم را که آنکه باشد
 مضربه و در روایتی لفظ ختنه بجای اغلی الحیه واقع شده دوم آنچه در مشکوٰۃ اصباح
 نقلاً عن الشافعی و احمد و الدایمی و النسائی و ابن خزمیه فی صحیحہ و البخاری فی صحیحہ است
 از عایشه رضی الله عنها مروی شده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم السواک
 مطهرة للفم و مرضاة للرب یعنی گفت عایشه رضی الله عنها که فرمود رسول خدا صلی الله
 علیه وسلم که مسواک پاک کننده است مردمن را و خوشنود کننده است مرد را و در گار
 سوم آنچه ابو داود و در سنن خود از عبد الله بن عباس روایت کرده قال ثبت لیلة
 عند النبی صلی الله علیه وسلم فلما استیقظ من منامه اتی طوره فاخذ سواکه فاستاک
 ثم تلا هذه الآیة ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لا ولی
 الا للباب حتی قارب ان ینتم السورة او ختمها ثم توضا فاتی مصلاه فصلی کعتین ثم رجع
 الی فرشه فنام ما اشار الله ثم استیقظ ففعل مثل ذلک ثم رجع الی فرشه فنام ثم استیقظ
 ففعل مثل ذلک کل ذلک لیستاک و یصلی کعتین ثم و تر قال ابو داود و رواه ابن فضال عن
 حصین قال فتنسوک و توضا و هو یقول ان فی خلق السموات و الارض حتی ختم السورة
 یعنی عبد الله بن عباس رضی الله عنهما میگوید که خوابیدم شبی نزدیک نبی صلی الله علیه
 وسلم پس هرگاه بیدار شد آنحضرت از خواب خود بیدار آب وضو پس گرفت مسواک
 خود پس مسواک کرد پس تر خواند این آیه را ان فی خلق السموات و الارض و اختلاف الیل
 و النهار لآیات لا ولی الا للباب تا اینکه قریب بود که ختم کند سوره را یا ختم کرد آنرا پس آمد
 نمازگاه خود را پس گذارد و رکعت پس باز آمد بسوی بستر خود پس خواب کرد و هر قدر که خواست

خدا پسترسیدارشید پس کرد مثل آن پسترباز آمد طرف بستر خود پس خواب کرد پسترسیدارشید
پس کرد مثل آن هر بار مسواک میکرد و دو رکعت نماز میخواند پسترباز و تر گذارد و در وقت
مسلم از ابن عباس چنین مرویست انه بات عند النبی صلی الله علیه وسلم من آخر الليل
فخرج فنظر فی السماء ثم تلا هذه الآية فی آل عمران ان خلق السموات والارض و اختلاف
اللیل والنهار حتی بلغ فقنا عذاب النار ثم رجع الی البیت ففتسوک فتوضأ ثم قام فصل
ثم قطع ثم قام فخرج فنظر الی السماء فتلا هذه الآية ثم رجع ففتسوک فتوضأ ثم قام فصل
یعنی در روایت مسلم از عبد الله بن عباس چنین آمده که او در شب خواب کرد و نزدیک نبی
صلی الله علیه وسلم از آخر شب پس بیرون آمد آنحضرت پس نظر کرد بسوی آسمان پسترباز
تلاوت کرد این آیه را که در سوره آل عمران است یعنی ان فی خلق السموات والارض
و اختلاف اللیل والنهار تا رسید بدین آیه فقنا عذاب النار پسترباز جمع کرد بسوی
خانه پس مسواک کرد و وضو کرد پسترباز تا پس خواند نماز پسترباز خوابید پسترباز تا تاد
پس بیرون آمد و نظر کرد بسوی آسمان پس تلاوت کرد همین آیه را پسترباز آمد بخانه پس
مسواک کرد پس وضو کرد پسترباز تا پس نماز خواند و در ترغیب و ترهیب نقل از ابن
ماجه والنسائی عن ابن عباس کهذا قال کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یصلی باللیل
رکعتین کحزبتین ثم ینصرف فیمساک یعنی گفت ابن عباس که بود رسول خدا صلی الله
علیه وسلم میگذارد در شب دو رکعت پس باز میگشت از آن پس مسواک میکرد
چهارم آنچه در بنایه شرح بر اوایت احمد و طبرانی از واثله بن اسقع آمده است امرت
بالسواک حتی خشیت ان یمیت علی یعنی امر کرده شدم به مسواک کردن تا اینکه بمیرم
از آنکه فرض کرده شود بر من و در روایت ابی یعلی از ابن عباس چنین آمده عن النبی صلی

علیه وسلم انه قال لقد امرت بالسواک حتی ظننت انه نزل علی فیه قرآن او وحی یعنی فرمود
 بر آئینه امر کرده شدم بسواک تا آنکه گمان بردم که به تحقیق نازل کرده شود بر من درین باب
 قرآنی یا وحی در روایت احمد چنین آمده لقد امرت بالسواک حتی خشیت ان یوحی الی
 فیه شئی یعنی بر آئینه تحقیق امر کرده شدم بسواک حتی که ترسیدم آن که وحی کرده شود و این
 من در ان چیزی پیچیده تر غریب تر هیچ بر روایت ابو یعلی از عایشه رضی اللہ
 تعالی عنہا مروی شده قالت ان النبی صلی اللہ علیہ وسلم مازال یذکر السواک حتی خشیت
 ان نزل فیه قرآن یعنی عایشه رضی اللہ عنہا میگوید دیدم رستیکه نبی صلی اللہ علیہ وسلم همیشه
 ذکر میکرد مسواک را تا اینکه ترسیدم که نازل کرده شود در باب آن قرآن ششمینم آنچه در بنایه
 بر روایت ابن جبان از حدیث عامری مروی گشته کانولید خلون علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم
 فقال تدخلون فیما استکوا یعنی بودند مردمان که می درآمدند بر آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم پس
 فرمود که در می آئید زردندان مسواک کنید بقیه السواک نصف الایمان یعنی مسواک
 کردن نیمه ایمان است و چون مسواک بجا آوردست و در باب طهور حدیث دیگر وارد شده
 که الطهور شرط الایمان پس سواک هم نصف ایمان خواهد بود و هشتم السواک واجب علی کل
 مسلم یعنی مسواک کردن واجب است بر هر مسلمان مراد بواجب معنی مستطیع نیست
 بلکه معنی حق ثابت است نهیم السواک من لفطره مسواک کردن از فطرت است و نهم
 السواک من سنه فاستکوا فی امی وقت لقد امرت بالسواک حتی خشیت انسانی یعنی مسواک
 کردن از سنت است پس مسواک کنید در هر وقتیکه خواهید بر آئینه تحقیق امر کرده شدم
 بسواک کردن تا آنکه سوده گردد و یست شود دندان من یادم خیر خصال الصائم السواک
 یعنی بهترین خصایصهای روزه دار مسواک کردن است و دوازدهم فی السواک عشر خصال

یطیب النعم ویشد الله امی مغا ذرا لسان و یجلو البصر و ینزه البیغم و ینزه البخر و یوق
 السنه و یفرح الملائکة و یرضی الرب و یرید فی الحسنات و یصح المحدثه یعنی در مسواک و خلعت
 اند پاک میکند و همین بواسطه میکند نشه را یعنی جامی بر آمدن دندان و روشن میکند مینائی را
 و می برد بغم را و می برد گندگی دهن را و موافقت میکند سنت را و خوش میکند و شستگان را
 و خوشنود میکند پروردگار را و زیاده میکند و نیکیها و صحیح میکند معده را کذا فی سنن ابوداود
 و در بنایه بروایت ابوالنعم از ابن عباس چنین آمده السواک ینزه البیغم و یفرح الملائکة
 و یوافق السنه یعنی مسواک می برد بغم را و خوش میگرداند و شستگان را و موافقت میکند
 سنت است از جمیع السواک ید الرجل الفصاحه یعنی مسواک زیاده میکند در اقصا صحت چهار و هم طیبوا
 افواهکم بالسواک فانها طرق القرآن یعنی پاک کنید دهن با می خود را بمسواک کردن پس
 بتحقیق این دهنها را بهای قرآن اند و در بنایه بروایت ابی نعیم از علی رضی الله عنه
 چنین آمده ان افواهکم طرق القرآن فطوبوا بالسواک یعنی تحقیق دهنهای شما را بهای
 قرآنست پس پاک کنید آنها را بمسواک کردن پانزدهم کان علیه السلام لاینام الا بالسواک
 فاذا استیقظ بدأ بالسواک کذا فی سنن المدنی فی متابعت المصطفی عبد البقی بن احمد
 بن عبد القدوس یعنی بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم که خواب نمیکرد بدون مسواک
 کردن پس وقتی که بیدار میشد شروع میکرد بمسواک کردن شانزدهم در مشکوٰۃ بروایت
 احمد و ابوداود از عایشه رضی الله عنها است قالت کان النبی صلی الله علیه و سلم
 لایرقد من لیل الا انها فیستقیظ الا بتسوک قبل ان یتوضأ یعنی عایشه گوید بود آنحضرت صلی الله علیه و سلم
 که خواب نمیکرد از شب نه از روز پس بیدار میشد مگر مسواک نمیکرد پیش از این که وضو
 کند یعنی بعد بیدار شدن از خواب پیش از وضو معتاد بمسواک بود و هفتم آنچه روایت کرد

مسلم از عایشه رضی الله عنهما این التبی صلعم کان اذا دخل بیتہ یا بالسواک یعنی تحقیق
 بود آنحضرت صلعم هر گاه که در می آمد بخانه خویش شروع میکرد بمسواک کردن و در روایت
 دیگر مسلم بروایت شریح بن یحیی از عایشه رضی الله عنهما چنین مروی گشته قال
 سألت عائشة بای شئی کان یبدر رسول الله صلعم اذا دخل بیتہ قالت بالسواک یعنی
 شریح بن یحیی گفت که پرسیدم عایشه را کدام چیز بود که شروع و آغاز میکرد رسول خدا
 صلی الله علیه وسلم وقتی که در می آمد خانه خویش گفت عایشه ابتدا میکرد بمسواک و بعد از آن
 آنچه روایت کرد بطبرانی از زید بن خالد جونی قال کان رسول الله صلعم یخرج من بیتہ
 من الصلوات حتی یستاک کذا فی الترغیب والترہیب یعنی زید بن خالد جونی میگوید که نبود
 آنحضرت صلی الله علیه وسلم که بیرون می آمد از خانه خود برای چیزی از نماز تا اینکه مسواک
 میکرد و نوزدهم آنچه روایت کرد بطبرانی در اوسط از عایشه رضی الله عنهما قالت قال
 رسول الله صلی الله علیه وسلم لزمت السواک حتی خشیت ان یدرونی یعنی عایشه
 گوید گفت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که لازم گرفتیم مسواک کردن را تا اینکه ترسیدیم که بقیه
 دهن من یعنی از کثرت مسواک ساقط گردد دندان دهن من و در روایت دیگر بطبرانی
 از ام سلمه رضی الله عنهما چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ما زال
 جبرئیل یوصی بالسواک حتی خفت علی ان یرا منی کذا فی الترغیب والترہیب یعنی گفت
 ام سلمه فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم همیشه بود جبرئیل که وصیت میکرد بمسواک
 کردن تا اینکه ترسیدم برود آنچه و در بنایه بروایت دیگر بطبرانی و در روایت پیغمبر و ابن ماجه
 و احمد و ابوالنعمان و ابن السکین چنین آمده ما زال جبرئیل علیہ السلام یوصی بیتی بالسواک حتی
 خشیت ان یدرونی که همیشه جبرئیل علیہ السلام وصیت میکرد بمسواک کردن

تا اینکه ترسیم آنکه پیغمبر من فرمود روایت احمد از ابی امامه چنین آمده ان رسول الله
صلی الله علیه وسلم قال جابر بن جبریل علیه السلام قضا الامر فی السواک لقد خشیت ان
تقدم فی یعنی تحقیق رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود که نباید مرا جبریل علیه السلام برگز
مگر اینکه امر کرد مرا بسواک کردن هر آنکه تحقیق ترسیم آنکه پیست کنم و از پنج برگم پیشین
خود را بستم انچه روایت کرد برادر از علی رضی الله عنه انه امر بالسواک و قال قال رسول الله
صلی الله علیه وسلم ان العبد اذا تسوک ثم قام یصلی قام الملک خلفه فیسمع بقرآنه فیقول
من و کلمته نحو ما حتی یضع فاه علی فیه فلیخرج من فیه شئی من القرآن الا صار فی جوف
الملک فظلم و ان فواکم القرآن کذا فی الترغیب والترهیب یعنی تحقیق امر کرد علی رضی الله عنه
بسواک کردن گفت فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم تحقیق هر چه گاه که سواک کرد
پس برخاست که نماز خواند بر منجه و ملک خلف او پس می شنود بقرآن او پیست قریب میشود
با و یا کلمه مانند آن ذکر کرد و آنحضرت تا اینکه می نهد دهن خود بر دهن او پس بر بنی آید از
دهن مصلی چیزی از قرآن مگر آنکه میشود و در شکم ملک پس پاک کنید دهن های خود را برای
قرآن و در بنایه بر روایت ابو نعیم از جابر رضی الله عنه چنین آمده اذا قام احدکم من الصل
یصلی فلیستک فانه اذا قام یصلی آناه ملک فیضع فاه علی فیه فلیخرج شئی من فیه الا وقع
فی فی الملک یعنی چون بایستد یکی از شما از شب که بخواند نماز را پس باید که سواک کند پس
بدرستی که چون بایستد که بخواند نماز را می آید او را فرشته پس می نهد دهن خود را بر دهن
پس بر بنی آید چیزی از دهنش مگر آنکه پیغمبر و دهن فرشته بپست و یکم انچه روایت کرد
ابو نعیم از جابر رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم کفنان بالسواک
انتم من سبعین رکعة یعنی گفت جابر فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم

و در رکعت بسواک بهتر است از هفتاد رکعت بغیر سواک و در روایت دیگر ابو نعیم از ابن
عباس رضی الله عنہ چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال لان اصل رکعتین بسواک
احب الی من ان اصلي سبعین رکعة بغیر سواک یعنی بدرستی که نبی صلی الله علیه وسلم
فرمود هر آینه آنکه بگذارم دو رکعت نماز بسواک دوست تر است نزد من از آنکه بگذارم
هفتاد رکعت بدون سواک و در روایت دیگر از ارواح و ابی یحیی و ابن خزمیه از جابر از عایشه
رضی الله عنها چنین است عن النبی قال فضل الصلوة بالسواک علی الصلوة بغیر سواک
سبعین ضعفا کذا فی الترغیب والترہیب یعنی بزرگی نمازی که بسواک باشد بر نمازی که
بدون سواک بود هفتاد و چند است و در روایت احمد چنین است انه علیه السلام قال
صلوة بسواک افضل من سبعین صلوة بغیر سواک کذا فی المرقاة و بکذا فی سنن الہدی یعنی
بتحقیق آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که یک نماز بسواک بهتر است از هفتاد نماز بغیر
سواک و در بنایه بر روایت بیہقی و شعب الایمان احمد و ابن خزمیه و حاکم و دارقطنی
و ابن عدی و ابی نعیم از عایشه رضی الله عنها چنین آمده قالت قال رسول الله صلی الله
علیه وسلم فضل الصلوة التي لیستاک لهما علی الصلوة التي لا لیستاک لهما سبعین ضعفا
یعنی گفت عایشه رضی الله عنها فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم بزرگی دارد نمازی
که مسواک کرده شود برای آن بر نمازی که مسواک نکرده شود برای آن هفتاد و چند است و در
آنچه در بنایه نقل از عیسیٰ بن ابی نعیم از عایشه صدیقہ رضی الله عنها آمده بدو یکم سنہ و علی فریضیہ
السواک و الوتر و قیام اللیل یعنی فرمود رسول الله صلی الله علیه وسلم این سه چیز بزرگ
شما سنت است و بر من فرض یک مسواک کردن دوم نماز و ترخواندن سوم بر بختن
و استخوان شب یعنی نماز شب خواندن است و در روایت کرد ابو نعیم از عایشه

رضی الله عنہا قالت کان علیہ السلام یستاک عرضاً لا طویلاً یعنی گفت عایشہ رضہ بود آنحضرت
 علیہ السلام کہ مسواک میکرد در عرض و ندان نہ طول آن و در روایت ابی داؤد و حنین است اذا
 استکثمت فاستکوا عرضاً یعنی ہر گاہ مسواک کنید پس سواک کنید در عرض ندان و در روایت
 بیہقی از ربیعہ بن اکثم روایت قال کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یستاک عرضاً و شہ
 مصابو یقول ہواہنی و امرا یعنی گفت راوی بود آنحضرت صلی اللہ علیہ وسلم کہ مسواک میکرد
 در عرض ندان و می نوشید آب از رومی کہین و میگفت کہ این خوشگوار تر و گوارا تر است
 بست و چہارم انچہ حنین از ابی موسی روایت کردہ اند قال اتینا رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 قرأتہ یستاک علی لسانہ کل ذلک فی البنا یعنی آیدیم ما رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم پس
 دیدم آنحضرت را علیہ السلام کہ مسواک میکرد بر زبان خود و در کتاب الامام با حادیت الاحکام
 بر روایت مسلم از ابی موسی حنین است قال دخلت علی النبی صلی اللہ علیہ وسلم و طرف السواک
 علی لسانہ یعنی گفت در آمدیم بر نبی صلی اللہ علیہ وسلم و کنارہ مسواک بر زبان شرفیش بود
 و در بیان کتاب بر روایت سنن ابی داؤد از ابی بردہ عن ابیہم روایت قال اتینا رسول اللہ
 صلی اللہ علیہ وسلم استخرا قرأتہ یستاک علی لسانہ یعنی در آمدیم رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را
 در حالیکہ سواری می طلبیدیم از آنحضرت پس دیدم او را مسواک میکند بر زبان خود بست و
 انچہ در نسائی از ابی موسی روایت است قال دخلت علی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم
 ہویشن و طرف السواک علی لسانہ و ہو یقول عا عا یتہوع یعنی ابو موسی گفت و خل شہم
 بر رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم در حالیکہ او مسواک میکرد و کنارہ مسواک بر زبان او بود و او
 میگفت عا عا یعنی تنوع میکرد و در روایت دیگر حنین است دخلت علی النبی صلی اللہ
 علیہ وسلم و قد وضع السواک علی طرف لسانہ یقول آہ آہ یعنی تنوع یعنی راوی گوید

که داخل شدیم بر نبی صلی الله علیه وسلم و آنحضرت نهاده بود مسواک را بر کنار ده زبان خود و می
 فرمود آه یعنی تنوع میکرد و نسبت و ششم آنکه در بنایه بر روایت بطرفی در او سطر خود از سقا
 بن جیل رضی الله عنه مروی شد قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول
 نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة طیب الغم و ید هرب الحفر و هو سواکی و سواک الانبیاء
 من قبل یعنی معاذ بن جیل میگوید که شنیدم رسول خدا صلی الله علیه وسلم را که میگفت
 چه خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده پاک میکند و من را و می برد
 گنده و منی را و آن مسواک من انبیا پیشین من است و در حاشیه درختنا را از خطا و بر و است
 طبرانی چنین است نعم السواک الزیتون من شجرة مبارکة و هو سواکی و سواک الانبیاء من
 قبل یعنی خوش مسواک زیتون است از درخت برکت داده شده و آن مسواک من انبیا
 پیشین من است است و هفتم آنچه در بنایه بر روایت بطرفی از جابر رضی الله عنه مرویست
 کان السواک من اذن رسول الله موضع اقل من اذن الکاتب یعنی بود مسواک از گوش
 رسول الله موضع قلم از گوش کاتب یعنی جای که کاتب قلم بر گوش نهاده آنجا رسول الله
 صلی الله علیه وسلم مسواک می نهاده نسبت و ششم آنچه در مشکوٰۃ المصابیح بر روایت ترمذی
 و ابوداؤد از ابی سلمه زید بن خالد جهنی مرویست قال سمعت رسول الله صلی الله علیه
 وسلم یقول لولا ان تشق علی امتی لاهتمم بالسواک عند کل صلوٰۃ و لا خیر صلوٰۃ اعشاء
 الی ثلاث الیل قال فکان زید بن خالد یشبه الصلوٰۃ فی المسجد و سواکه علی اذنه موضع اقل
 من اذن الکاتب الی یقوم الی الصلوٰۃ الا استن ثم رده الی موضع رده الترمذی و ابوداؤد
 الا انه لم ینکر و لا خیر صلوٰۃ العشاء الی ثلاث الیل یعنی گفت راوی که شنیدم رسول خدا
 صلی الله علیه وسلم را میگفت اگر نمی بود ترس آنکه در مشقت اندازم است خود را بر آینه

واجب میگردد انیدم بر آنها مسواک کردن یک مرتبه و هر آینه تاخیر میکردم نماز عشا را تا دو
 و انگ شب گفت ابوسعلمه را وی پس بج ذریه بن خالد که حاضر می شد نماز را در مسجد
 و مسواک و بگوشتش می بود بجای قلم از گوش نویسنده برنی خاست برای نماز بگر مسواک
 میکرد و پستری نهاد بجای او یعنی در گوش خود تا اینجا ترندی و ابو داود و با تفاق روایت
 کردند لیکن ابو داود ذکر کرد و لاخرت صلوة العشاء الی ثلث الليل کسبت نهم آنچه در سنن
 ابی داود از عایشه نقل است ان النبی صلی الله علیه وسلم کان یوضع یضو و یضو و یضو و یضو
 فاذا قام من اللیل تخلع نهم استاک یعنی تحقیق نبی صلی الله علیه وسلم بود که نهاده میشد بر
 آداب وضو و مسواکش پس چون بر می خاست از شب قضای حاجت میکرد و پستری
 مسواک میکرد و سی ام آنچه روایت کرد بخاری از انس رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم
 علیه وسلم لقد اکثرت علیکم فی السواک یعنی گفت انس فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم
 و مسلم بر این تحقیق بسیار کردم و دراز کردم بر شما سخن درباره مسواک و سی و یکم آنچه روایت
 کرد ابو داود از عایشه رضی الله عنها قالت کان رسول الله صلی الله علیه وسلم یستقی و عنده
 رجلا من اهلها اکبر من الآخر فاحی الله الیه فی السواک ان کبر اعطاه السواک اکبرها یعنی میگوید
 عایشه رضی الله عنها بود رسول خدا صلی الله علیه وسلم که مسواک میکرد و نزدیک آنحضرت
 دو کس بودند یکی از آنها بزرگتر بود و از دیگری پس وحی فرستاد خداوند تعالی بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم
 علیه وسلم بحیث فضیلت مسواک یعنی بده مسواک را بزرگترین این هر دو و در روایت
 بخاری و مسلم از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما چنین آمده ان النبی صلی الله علیه وسلم قال
 ارانی فی المنام تسوک بسواک فجانی رجلا من اهلها اکبر من الآخر فاولت السواک الا صغر
 منها فقیل له کبر فذهبت الی الاکبر منها یعنی بدستیکه نبی صلی الله علیه وسلم فرمود می بینم

خود را در خواب که مسواک میکند بمسواکی پس آن مدینه مراد و کسکی یکی از آنها بزرگتر از دیگری بود
پس دایم مسواک را به خرد تر از آنها پس گفته شد مراد به بزرگتر پس دایم مسواک را
به بزرگترین از آن هر دو سی و دوم آنچه روایت کرد ترمذی از ابی ایوب و بطرفی و احمد از ربع
من سنن المرسلین النخاع و السواک و التطهر و النکاح یعنی چهار چیز از سنتهای پیغمبران
سابق انداختن کردن و مسواک کردن و استعمال بوی خوش نمودن و تزویج پنبه کردن
و در روایت ترغیب و ترهیب نقل از ترمذی از ابی ایوب لفظ الحیا یعنی شرم داشتن
بدل النخاع واقع شده سی و سوم آنچه در بنایه بر روایت بزرگ و بطرفی است الطهارات ربع
قصص الشوارب و حلق العانة و تعلیم الاطفال و السواک یعنی طهارات چهار انداختن کردن
لبها و شستن موی عانة و تمشیدن ناخنها و مسواک کردن سی و چهارم آنچه در درختان
نکست من اخلاق المرسلین تعجیل الافطار و تاخیر السجود و السواک یعنی سه چیز از خلقها
مرسلین انداختن کردن در افطار و تاخیر کردن در سجود و مسواک کردن سی و پنجم آنچه روایت
کرد بخاری از ابی برده از پدرش قال اتیت النبی صلی الله علیه و سلم فوجدته لیسن لبسواک
ببیده یقول انا انا و السواک فی فیه کانه یتنوع یعنی راوی گوید که آدم نبی صلی الله علیه
و سلم را پس یافتیم او را که مسواک میکند بمسواکی که در دستش نشسته بود و میگفت انا انا
و مسواک در دهن مبارکش بود گویا آنحضرت تنوع میکرد سی و ششم آنچه در بنایه بر روایت
عقیلی و ابو نعیم از عایشه رضی الله عنها منقول است انها قالت کان اذا سافر حمل السواک
و المشط و المسحاة و القارورة و المرأة یعنی بدرستی که گفت عایشه رضی الله عنها بود آنحضرت
صلی الله علیه و سلم وقتی که سفر میکرد بر میداشت مسواک و شانه و مسره دان و شیشه و آئینه
سی و هفتم آنچه در بنایه بر روایت ابن ماجه از عایشه رضی الله عنها روایت است کنت اصنع له

لغت آیتها تا بطوره وانا السواک وانا الشرب یعنی نبودم من که می ساختم برای آنحضرت
 صلی الله علیه وسلم سطر ظرفی برای آب وضوی او و ظرفی برای مسواک و و ظرفی برای
 شرب اوستی و هشتم آنچه در ترغیب و ترهیب بروایت ابن ماجه از ابی امامه است آن
 رسول الله صلی الله علیه وسلم قال تسوكوا فان السواک مطهرة للضم و مضاة للارب جائز
 جبریل الا اوصای بالسواک حتی لقد خشیت ان یفرض علی و علی امتی و لولا انی اخاف
 ان اشق علی امتی لفرضته علیهم و انی لاشاک حتی خشیت ان احفی مقادیم فی یحیی تحقیق
 رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود مسواک کنید پس بدستیکه مسواک کردن پاکست برا
 دهن و خوشنود نیست برای پروردگارتانید و جبریل مگر در حالیکه او وصیت کرد بمسواک
 کردن تا اینکه ترسیدم آنکه فرض کرده شود بر من بر است من و اگر نه ترس میکردم آنکه سخت
 میکردم بر است خود هر آینه فرض میکردم مسواک کردن بر آنها و بدستیکه هر آینه مسواک میکنند
 تا اینکه می ترسم آنکه بر کنم پیش دهن خود و منم آنچه در صحیحین از ابی هریره رضی الله عنه آمده
 قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم لولا ان اشق علی امتی لامرهم بتأخیر العشاء و المسواک
 عند کل صلوته یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم اگر ترس آن نبود که سخت میکردم
 بر است خود هر آینه امر میکردم آنها را یعنی فرض میکردم تأخیر عشاء و مسواک کردن و
 هر نماز و در همان کتاب بروایت مالک احمد و نسائی و صحیح ابن خزمیه و حاکم و بخاری از رو
 تعلیق در کتاب الصوم از ابی هریره چنین آمده لولا ان اشق علی امتی لامرهم بالسواک
 مع کل وضوء یعنی فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم اگر نه آنکه سخت میکردم بر است خود
 هر آینه امر میکردم آنها را بمسواک کردن با هر وضوء و در روایت ابن خزمیه و حاکم و بخاری
 عند کل وضوء آمده است و در روایت احمد و غیره عند کل وضوء آمده و در همان کتاب

بروایت احمد و طبرانی امام حسین است لولا ان اشق علی امتی لغضبت علیه السلام السواک یعنی اگر آنکه سخت میکردم بر امت خود البته امر بغضبت میکردم بر آنها مسواک کردن او در ترغیب و ترهیب

بروایت بزار و طبرانی از عباس بن عبد المطلب چنین مروی گشته لولا ان اشق علی امتی لغضبت علیه السلام السواک عند کل وضوء کما لغضبت علیه السلام الوضوء یعنی اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود هر آینه فرض میکردم بر آنها مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانچه فرض کردم وضوء او در همان کتاب

بروایت احمد از زینب بنت جحش چنین آمده قالت سمعت رسول الله صلی الله علیه و سلم یقول لولا ان اشق امتی الامر بهم بالسواک عند کل صلوٰة لما تیوضون یعنی گفت زینب شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و سلم را میفرمود که اگر نه آنکه سخت میکردم بر امت خود البته حکم میکردم آنها را برای مسواک کردن نزدیک هر نماز چنانکه وضوء میکنند چنانچه در مشکوٰۃ بروایت یحیی از

حزب آده قال کان النبی صلی الله علیه و سلم اذا قام للتمجذ من اللیل لشیء فاه بالسواک یعنی حذیفه گفت رضی الله عنه بود نبی صلی الله علیه و سلم وقتیکه بر می خاست برای تجمد از شب می مالید دهن شریف خود را بمسواک چنانکه در مشکوٰۃ بروایت ابی داؤد از عایشه

آمده است قالت کان النبی صلی الله علیه و سلم یستناک فی عطین السواک لا یغسله فابداً یستناک ثم یغسله لوفعه البیهی گفت عایشه رضی الله عنها باه و آنحضرت صلی الله علیه و سلم مسواک میکرد پس میداد و مسواک که بشویم آنرا پس من شروع میکردم بان پس سواک میکردم بپس من می شویم

آنرا و دفع میکردم آنرا بسواک آنحضرت صلی الله علیه و سلم چهل و دو نماز و آنحضرت صلی الله علیه و سلم است از مطهر و لاشیطان مغرور که لایزال آنکه کفر و غیبت و یزید فی الحسنا بدستیکه مسواک کردن از بدن شیطان است و خوش کردن ملائکه می پوشد گناهان او زیاده میکنند در نیکبیا چنانکه در مشکوٰۃ در آمد و افتخار نقل آن

الکفایه بحسب روایت عایشه آمده ان النبی صلی الله علیه و سلم کان یستناک اول النهار و آخره و هم

صالحم بدرشتیکه نبی صلی الله علیه وسلم بود که مسواک میکرد اول بدوزه و آخر آن حالیکه او دوزه دار بود
چهل و چهارم آنچه در مشکوٰۃ الاصباح بر روایت ترمذی ابو داؤد و از عامر بن بعبده آمده قال اریث النبی
صلی الله علیه وسلم الا حصی السواک هو صائم یعنی گفت عامر بن بعبده که دیدم آنحضرت صلی الله
علیه وسلم آن مقدار که شمار کردن نمیتوانم که مسواک میکرد در حالیکه دوزه دار بود چهل و پنج آنچه در بنایه
بر روایت بزار آمده قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم خمس من سن المسلم النحان و النظم
و الحجامة و السواک و التطهر یعنی فرمود رسول خدا صلی الله علیه وسلم پنج چیز از سننهای مسلمین
هستند یکی ختنه کردن دوم ناخن تراشیدن سوم خون کشیدن چهارم مسواک کردن پنجم
خوشبو مالیدن چهل و ششم آنچه در صحیح مسلم از عایشه نقل است که انما لرسول الله صلی الله
علیه وسلم سواک و طهوره فبعثه الله ما شاء ان یبعثه فیتسوک و یتوضأ و یصلی یعنی عایشه میگوید
که بودیم که همیا میکردیم بر سر رسول خدا صلی الله علیه وسلم مسواک او را و آب وضوی او را پس
بر منی انگیزت او را خدای غفور چهل مرتبه که بخوابت آنکه بر انگیزد او را پس مسواک منفرمود
و وضو میکرد و نماز میخواند چهل و هفتم آنچه در فتح القدر و زکات بروایت بیهقی از انس نقل است
قال قال رسول الله صلی الله علیه وسلم یجری من السواک الاصابیع یعنی کفایت میکند از مسواک
آنکه دستها چهل و هشتم آنچه در امداد الفلاح و شرح شمنی قاری بروایت طبرانی از عایشه صدیقہ
عنها روایت است قالت قلت یا رسول الله جل ذی بطنه یبغی و یستاک قال نعم قلت کیف یصنع
قال یدخل صبعه فی فیه یعنی گفت ام المؤمنین عایشه که گفتم من یا رسول الله مردی که برود درین
دندان یا گوشت درین آیا او مسواک کند فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم آری گفتم چگونه فرمود
داخل کند انگشت خود در دهن خود چهل و نهم آنچه در امداد الفلاح و شرح شمنی قاری بر مختار
رضی الله عنه روایت قال التثویب بالمسحیة و الا بهام سواک یعنی شستن با کبیره کردن دهن از

[illegible]

وینقیاد دست او پنجا و سوم آنچه در شرح سفر السعاده ناقلا عن احمد والی داود و عن عبد السمیع بن عامر
النفیس و در سند دارمی از عبد السمیع بن عمر است قال قلت لاریت توجزا ابن عمر کل صلوٰۃ طاهر او غیر طاهر
ذلک قال حدثنا سما بنت زید بن الخطاب بن عبد السمیع بن خطابه بن عامر حدثنا ان رسول الله صلی الله علیه و سلم
امر بالوضوء لکل صلوٰۃ طاهر او غیر طاهر لما تنق ذلک علیه من السواک لکل صلوٰۃ و کان ابن عمر یرى ان
علی ذلک قوه فکان لایبع الوضوء لکل صلوٰۃ یعنی با وی گوید گفتیم که خبر ده که وضو کرد این عمر رضی الله عنه بر
هر نماز طاهر باشد یا غیر طاهر تعمیم کرد این گفت که حدیث کرد او را سما بنت زید بن خطاب که تحقیق مع عبد
بن خطابه بن عامر حدیث کرد مرا که تحقیق رسول خدا صلی الله علیه و سلم حکم کرده شد بعضی برابر نماز طاهر باشد
یا غیر طاهر پس هرگاه که دشوار کرده شد این کار براه حکم کرده شد بر این مسواک نزدیک هر نماز بود و عبد السمیع
بن عمر رضی الله عنه می دیکه او را برین کار قویست پس ترک نیک کرد وضو برای هر نماز از تنهی تحقیق نمائید که
بست و دو سال میگذرد که این مسوده نوشته شده بود لیکن نوبت تبیین اکنون در راه رسید الا آخر
س نه بکنار رود و صد و نود و شش هجری نبوی رسید و انا بلغ الکلام الی هذا النظام فآخر دعوانا ان
ربنا العالمین و الصلوٰۃ علی سید المرسلین و آله الطاهرين واصحابه اکامیلین فقط

خاتمه

هزاران شکو و سپاس بر دروگه و فراوان درود و سلام بر نبی مختار و آل اطهار و اصحاب انبیاء که
این رساله فیض مقاله و احکام و فضائل مسواک تصنیف عالم جلیل فاضل نبیل علامه گیاره خیر زمانه کشان
و قائل فرعی و اصله حلال معافه عقلی و نقلی مولانا الحافظ محمد ششوکت علی دام فیض الله علیه
بصحت تمام و اهتمام این اقل نام محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد و ششوکت علی دام فیض الله علیه
نظامی واقع کانپورا و اکل شهر جمادی الآخر ۱۲۸۰ هجری علیه انطباع پوشید و بایسن تسام و برکش

وجه مهر و دستخط بر خاتمه

برای سند اینجست که کتاب هذا مطبوع مطبع نظامی
است مهر و دستخط متهتم در خاتمه افزوده شد

محمد حسن خان حنفی
محمد عبد الرحمن

صحنه غایت الادراک فی مسائل السوآک

بسم الله الرحمن الرحيم

عدم متکاثر و لغت متوافر در پرده مباد که برای کتاب قلمی یک غلطنامه کافی است چه
 با نسخ قلمی غلطنامه علی و میباشند و برای کتب مطبوعه یک غلطنامه برای جمله نسخ مطبوعه
 به طبع کفایت نمی تواند کرد زیرا که منتهای کار این است که اگر چهار پنج نسخ مطبوعه پیش نظر
 سه غلطنامه طیار کرده شود پس آن غلطنامه بنابر همان چهار پنج نسخ کافی خواهد شد
 و دیگر نسخ چه میتواند شد که حرفی و لفظی دیگر در نسخ باقی مانده صاف بر نیامده یا غلط گردیده باشد
 و در صورت عدم الطباق غلطنامه با جمله نسخ مصحح و کاتب غلطنامه را معذور باید داشت

سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳	غیره	غیره	۱۶	۴	اذ استیک	اذا استیک
۳	پای خاطر غلط	پای خاطر غلط	۱۶	۲	نظاسر	نظاسیر
۱۳	یدل	تدل	۱۶	۲	ازن	از آن
۸	نبعته	فبعته	۱۶	۸	کذا فی	فی
۱۰	لیثا	لیثا	۱۶	۱۶	وا فضل	والا فضل
۱۳	تبعنی	نبعنی	۱۶	۱۹	لینجرج	لیجرج
۱۶	الخصر	الخصر	۲۲	۲۲	لشرح الوقایه	لشرح الوقایه

صفحه	سطر	عناط	صحیح
۲۲	۱۰	النخشة	النخشة
۲۹	۱۲	للظفر	للظفر
۳۲	۸	بسواک	مسواک
۳۴	۱۶	المشتقة	المشتقة
۳۶	۱۱	توضوع	توضوع
۳۶	۱۴	ناخن	ناخبا
۴۲	۳	منقدم	مقدم
۴۲	۸	فطروا	فطروا
۴۶	۹	چهارم	چهارم
۴۸	۵	الاوصای	الاواوص
۴۸	۱۲	والمسواک	وبالمسواک
۴۹	۵	کردم وضو را	کردم بر اینها
۴۹	۹	وضو میکند	وضو میکند
۴۹	۱۹	الکفایه المحیط	کفایه البحر
۵۰	۳	لیسوک	یتسوک
۵۰	۹	فبعت الله	فبعت الله
۵۱	۹	بین سحری	وبین سحر
تتمت			

ش ۲۲ غ

DUE DATE

(R)

۲۹۶۶۳۹۱
۳۵۹

--	--	--	--

